

جلوه‌های جلوان

«هم محله» سی و یکم روایتگر تاریخ، هنرمندی‌ها
ایثارگری‌ها و مطالبه‌های اهالی محله است



خاطره‌هایی خواندنی از روزهای دور محله جلوان ۲ و ۳

گزارش‌هایی از فعالیت‌های پایگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، امامزاده سید یحیی (ع)
پایگاه حضرت فاطمه معصومه (س)، گروه جهادی محبان الزهرا (س) ۴ و ۷ و ۸

گفت‌وگو با برادر شهید مرتضی حاج قاسمی ۵

گفت‌وگو با جانباز سعید نیلی خواجه‌جویی و مادر شهید مجید نیلی خواجه‌جویی ۹

گفت‌وگو با میثم نیلی، محمد رضایی و سلیمان محبی؛ هنرمندان جلوانی ۶ و ۱۱ و ۱۵

جلوان؛ از باغستان تا خشکستان ۱۰

گفت‌وگو با خواهران قندی؛ رزمی‌کاران نوجوان محله جلوان ۱۳

روایت محمد مهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان، از آخرین اقدام‌های شهرداری
در منطقه ۱۴ و محله جلوان و پاسخ او به مطالبه‌ها و پرسش‌های ساکنان ۱۲ و ۱۴ و ۱۵



زینب دبیری

روستایی که محله شد

گفت‌وگویی خودمانی با اهالی محله جلوان



از کنار مسجد امیرالمؤمنین جلوتر می‌رود. دستش را به طرف مدرسه می‌گیرد و خرابه‌های باقی مانده قلعه را نشانم می‌دهد و می‌گوید: «اینجا یک قلعه بزرگ بود که ۱۳ خانوار در آن زندگی می‌کردند. صبح‌ها درهای قلعه باز بود؛ اما شب‌ها برای جلوگیری از دزدی آن‌ها را می‌بستند.»

به زمین‌های اطراف اشاره می‌کند و می‌گوید: «اینجا تمام تا لب جاده، زمین کشاورزی بود. زمین‌های سرسبز جو، گندم، بونجه، هندوانه و... اما حالا خیلی از آن‌ها بی‌آب شدند و دیگر کشاورزی نمی‌کنیم.»

به کنار خیابان می‌رود و به گنبد امامزاده یحیی اشاره می‌کند و می‌افزاید: «یادم هست ۱۳ ساله بودم که یکی از گنبد‌های آن خراب شد. بعدها یک خیر از سبزه میدان آمد و آن را درست کرد.»

حاج صفرعلی از آداب و رسوم محله می‌گوید: «یادم هست یک آخوند از خوراسگان به اینجا آمده بود. برای او خانه درست کردیم. مدت‌ها اینجا اقامت داشت. البته آن زمان مسجد نداشتیم؛ برای همین یک خانه را که مثل انباری بود، فرش کردیم. همان‌جا نماز جماعت برگزار می‌کردیم.»

خانه کدخدا و ماه رمضان‌های باشکوه جلوان

از ماه رمضان‌های باشکوه خانه کدخدا می‌گوید: «ماه رمضان‌ها یک آقایی بود که از اصفهان به خانه کدخدا می‌آمد و سحرهای ماه رمضان اذان می‌گفت؛ برای نذری هم چند نفر جمع می‌شدند و با یاری هم غذا آماده می‌کردند.»

چشمه‌های پرآب جلوان

او از چشمه‌های پرآب جلوان تعریف می‌کند و ادامه می‌دهد: «اینجا دو چشمه داشت؛ یکی، به طرف فرودگاه می‌رفت؛ یک چشمه اصلی هم داشت که از باقوشخانه می‌آمد. آن قدر اینجا پرآب بود که تا یک متری سطح زمین آب بود؛ اما حالا هیچ آبی نیست؛ حتی تا ۶ متری هم به‌زور می‌توان آب پیدا کرد.»

خداحافظی می‌کنم و راهی امامزاده می‌شوم. بعد از عبور از زمین‌های کشاورزی که دورتادور امامزاده قرار دارد، به محل

او از تلاش شبانه‌روزی شورای روستا برای تأمین برق می‌گوید: «اینجا برق هم نداشتیم. یادم هست برای تأمین روشنایی، با دوستان یک موتوربرق تهیه کردیم و به هر خانه یک سیم و لامپ دادیم.»

جاده خاکی که آسفالت شد

حاج صفرعلی قندی به جاده‌های اطراف اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «اینجا فقط یک جاده خاکی بود که ماشین‌ها به‌سختی می‌توانستند وارد روستا شوند. با کمک خیران یک جاده ساختیم و روی آن را هم آسفالت کردیم تا رفت‌وآمد راحت‌تر انجام شود.» او به گذشته‌های دور می‌رود؛ به آن زمان که طرح آموزش سواد برای روستاها آغاز شده بود و ادامه می‌دهد: «آن زمان من دو نفر خانم را از شهر به اینجا می‌آوردم تا به مردم سواد یاد بدهند. این کار مدت‌ها ادامه داشت؛ بعضی روزها هم دو نیروی مرد برای آموزش می‌آمدند و شب‌ها داخل یکی از کلاس‌های مدرسه می‌ماندند و استراحت می‌کردند.»

قلعه جلوان و زندگی ۱۳ خانوار در آن

از او درباره قلعه قدیمی محله می‌پرسم.

او از آغاز فعالیت‌های عمرانی در محله جلوان می‌گوید: «بنده از سال ۴۶ به مدت ۱۶ سال عضو شورای محله بودم. در این مدت با همراهی دوستان موفق شدیم یک زمین را از مالکان بگیریم و مدرسه بسازیم؛ نام آن را هم به احترام یکی از شهدای محل حاج قاسمی گذاشتیم؛ هنوز هم بعد از گذشت ۵۶ سال پابرجاست و دانش‌آموزان زیادی در آن درس می‌خوانند.»

داستان تأمین آب و برق جلوان

حاج صفرعلی قندی از نبود آب برای مصرف خانگی تعریف می‌کند و می‌افزاید: «مردم برای تأمین آب موردنیاز خود مجبور بودند آب را از قنات رشته‌کوه که بین حصه و جلوان قرار داشت، برداشت کنند. آن زمان یادم هست که بسیاری از زن‌های محل به خاطر همین کار دست‌درد داشتند.» کمی مکث می‌کند و می‌افزاید: «با صحبت با دوستان در شورای محله و یک بانی که هزینه را فراهم کرد، تصمیم گرفتیم با یک موتور آب را بالا کشیده و در داخل خاک ذخیره کنیم و بعد روی آن یک شیر آب قرار دادیم تا مردم بتوانند به راحتی از آب استفاده کنند.»

جلوان یکی از روستاهای نزدیک اصفهان است که بعدها با تقسیم‌بندی شهری در دسته شهرداری منطقه ۱۴ قرار گرفت و حالا به آن محله جلوان می‌گویند.

با عبور از اتوبان عاشق‌اصفهانی و عبور از جاده‌های پرپیچ‌وخم وارد محله جلوان می‌شوم. در کوچه‌پس‌کوچه‌ها قدم می‌زنم و از مردم می‌خواهم تا یکی از بزرگان محله را به من معرفی کنند.

حاج صفرعلی قندی از قدیمی‌های محله جلوان است که به گفته خودش از اعضای قدیمی شورای محله است.

جلوان؛ روستایی با ۱۳ خانوار

از او درباره گذشته جلوان می‌پرسم. می‌گوید: «اینجا یک روستا بود که ۱۳ خانوار در آن زندگی می‌کردند. همگی با هم قوم‌و خویش بودند و یکدیگر را می‌شناختند.»

روستایی که آب و برق نداشت

بعد به زمین‌های خشکی که در اطراف جلوان قرار دارد، اشاره می‌کند و می‌افزاید: «آن زمان اینجا غیر از زمین برای کشاورزی هیچ‌گونه امکاناتی نداشت. ساکنان محله آب و برق نداشتند!»





را می‌شناسند و خیلی با هم دوست و رفیق هستند. اگر یک غریبه وارد محل شود، همه متوجه می‌شوند.»

سوم محرم و مراسم شیرخوارگان حسینی

متولی مسجد در ارتباط با آداب و رسوم محله جلوان می‌گوید: «بنده حدود هشت سال است که برای سوم ماه محرم مراسم ویژه شیرخوارگان حسینی را در همین مسجد برگزار می‌کنم و نذری هم همان روز به زن‌ها می‌دهیم.»

سپس به ماه رمضان و برنامه‌های ویژه این ماه اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در ایام ماه رمضان همه شب‌ها افطاری مختصری می‌دهیم؛ شب‌های جمعه ماه رمضان نیز افطاری ویژه داریم.»

شام غریبان باشکوه محله جلوان

علی قندی به مراسم باشکوه شام غریبان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «برای شام غریبان چادر و خیمه می‌زنیم و مداح می‌خواند. بعد از عزاداری چادر را آتش می‌زنند. پس از نماز اینجا می‌آیند و شام می‌گیرند و بعد به سمت محله می‌روند و پیاده‌روی می‌کنند.» از او درباره حمام قدیمی محله می‌پرسیم. می‌گوید: «اینجا یک حمام خزینه‌ای داشت که آب آن از جوی آب محله تأمین می‌شد؛ حتی از آب جوی هم برای خوردن استفاده می‌کردیم. آن زمان‌ها وقتی می‌خواستیم برویم شهر، دردسر داشتیم؛ اما حالا خط اتوبوس داریم. تا طوقچی می‌رود و راه دسترسی به شهر خیلی آسان‌تر شده است.»

است. علی قندی، متولی مسجد امیرالمؤمنین (ع) جلوان، سالیان سال است در این محله زندگی می‌کند. از او در ارتباط با قدیم‌های محله می‌پرسیم. می‌گوید: «دورتادور اینجا همه جاده خاکی بود؛ اما همه چیز داشتیم. دام‌پروری داشتیم و زمین‌های کشاورزی زیاد. اینجا تا چشم کار می‌کرد، سبز بود و کشتزارهایی مملو از گندم و جو داشت؛ حتی از چهارباغ عباسی هم قشنگ‌تر بود.» سپس رو می‌کند به زمین‌های اطراف مسجد و می‌گوید: «اینجا قلعه بزرگی بود که حالت طاق چشمه‌ای داشت. در این قلعه چند خانوار با هم زندگی می‌کردند؛ بیرون آن هم زمین کشاورزی بود.»

از او درباره علت نام‌گذاری جلوان می‌پرسیم. می‌گوید: «برخی معتقدند چون اینجا جوان زیاد داشته است، به آن جلوان می‌گفتند؛ اما علت اصلی نام‌گذاری آن را نمی‌دانم.»

علی قندی درباره شغل بیشتر ساکنان محله بیان می‌کند: «شغل بیشتر مردم اینجا نقاشی و بنایی است؛ چند نفر هم در اتوبوس‌رانی کار می‌کنند؛ خود من نیز بعد از اینکه زمین‌های کشاورزی خشک شد، استخدام شهرداری شدم؛ حالا هم بازنشسته هستم و در مسجد به مردم محل خدمت می‌کنم.»

از او درباره آشنایی مردم اصفهان با جلوان می‌پرسیم، می‌گوید: «خیلی از اصفهانی‌ها جلوان را نمی‌شناسند و تصور می‌کنند که جلوان بخشی از حصه است.» سپس ادامه می‌دهد: «تفاوت محله جلوان با دیگر محله‌های شهر این است که همه یکدیگر

«قبل‌ها اینجا جاده نبود؛ دورتادور امامزاده هم‌زمین‌های کشاورزی بود و گله‌های زیادی نیز در اطراف اینجا بودند که مسیر رفت‌وآمد را برای زائران سخت می‌کرد. بعدها اینجا جاده ساختند و مردم بیشتری برای زیارت آمدند.»

او به آب فراوانی که در پشت دیوارهای امامزاده قرار داشت، اشاره می‌کند و می‌گوید: «همین آب فراوان موجب سرسبزی محل شده بود. از امامزاده که نگاه می‌کردیم همه‌جا بیشه بود؛ با درختان فراوان که زیبایی زیادی به امامزاده بخشیده بود.»

باورهای مردم و توسل آنان به امامزاده

رحمتی از جایگاه امامزاده در نزد مردم محل می‌گوید: «بخش بزرگی از زمین‌های اینجا متعلق به خان‌های محل بود که بعدها در تقسیم اراضی به مردم سپرده شد. یک نفر تعریف می‌کرد که یک شب خواب شخصی را می‌بیند که می‌گفت حق امامزاده را هم بدهید. وقتی من روی خودم را برگرداندم دیدم که طرف غیب شده است.» او از بهبود یک بیمار مبتلا به سرطان تعریف می‌کند و ادامه می‌دهد: «خانمی تعریف می‌کرد که من را دکترا جواب کرده بودند؛ اما زمانی که وارد امامزاده شدم، بعد از مدتی احساس کردم سبک شده‌ام و بیماری‌ام بهبود پیدا کرده است.»

نزدیک اذان مغرب است. به سمت مسجد امیرالمؤمنین (ع) می‌روم. وارد حیاط که می‌شوم، آقای را می‌بینم که در حال آماده‌سازی مسجد برای نمازگزاران

موردنظر می‌روم؛ مکانی آرام و مملو از آرامش. وارد حیاط که می‌شوم، کلیددار و متولی امامزاده میزبانم می‌شود.

امامزاده یحیی (ع) جلوان

علی رحمتی متولی امامزاده یحیی محله جلوان است. به گفته خودش، حدود ۲۰ سال است که کلیددار اینجاست و از تمام مسائل مربوط به امامزاده اطلاع دارد.

امامزاده‌ای که به زرد قهاب معروف بود

از او درباره تاریخچه امامزاده می‌پرسیم. می‌گوید: «در گذشته اینجا به نام زرد قهاب معروف بود؛ اما حدود ۲۰ سال پیش عده‌ای نزد آقای فلسفی، از مراجع تقلید در مشهد رفتند و ایشان به کتابی که در موزه امام‌رضاع (ع) قرار دارد، اشاره کردند که در آن نام امامزاده یحیی ذکر شده بود؛ از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع).»

رحمتی به دیوارهای آجری امامزاده اشاره می‌کند و می‌گوید: «قبل از ساخت، اینجا به اندازه دو متر دیوار گلی داشت و گنبد آن هم حدود ۱۳ متر ارتفاع داشت. بعدها دیوارهای گلی خراب شدند و حدود ۱۰ سال است که به شکل آجری درآمده.»

سقف چوبی ۱۳ تیر چوبی

او از سقف‌های چوبی با ارتفاع زیاد می‌گوید: «اینجا حدود ۱۳ تیر چوبی قرار داشت که حدود ۱۲ متر ارتفاع داشتند؛ سقف آن هم کاه‌گلی بود.»

رحمتی از استقبال خوب مردم، به ویژه در پنج سال اخیر تعریف می‌کند و ادامه می‌دهد:





مریم نقیان

پایگاهی خدمتگزار برای اهالی جلوان

گفت و گو با محمدرضا عموزیدی، جانشین فرمانده پایگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حسین داستانپور، مسئول برنامه های فرهنگی امامزاده سید یحیی (ع)

برگزاری برنامه های فرهنگی در محله های شهر نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و تقویت انسجام اجتماعی دارد. این برنامه ها می توانند به افزایش نشاط و امید، کاهش آسیب های اجتماعی و تقویت هویت محلی کمک کنند؛ همچنین، مشارکت شهروندان در این برنامه ها می تواند به رشد فرهنگی و هنری و تقویت حس تعلق به محله منجر شود؛ بنابراین برای بررسی فعالیت های فرهنگی محله جلوان با محمدرضا عموزیدی، جانشین فرمانده پایگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حسین داستان پور، مسئول برنامه های فرهنگی امامزاده سید یحیی محله جلوان گفت و گو کردیم.

هدف از تأسیس پایگاه امنیت اهالی جلوان است

جانشین فرمانده پایگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) درباره هدف شکل گیری پایگاه بسیج می گوید: «در ۱۳۷۵ پایگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) راه اندازی شد. از مؤسسان پایگاه بودم و تا ۱۳۹۰ نیز فرمانده پایگاه هستم. محله جلوان پایگاه بسیج شهید رجایی و شهید چمران را داشت. محله جلوان به دلیل امنیت و مسئله فرهنگی نیازمند پایگاه بسیجی بود که مانند محله حصه بتواند فعالیت های خود را در آن انجام دهد. کلاتری به ما دور بود؛ بنابراین پایگاه را به دلیل اینکه بتوانیم در بعد دفاعی و مباحث امنیتی به مردم محله کمک کنیم، تأسیس کردیم.

بنا به گفته عموزیدی، یکی از اهداف تشکیل بسیج در محله جلوان، اجرای برنامه های فرهنگی مختلف برای کودکان، نوجوانان و جوانان محله جلوان بود و پایگاه بهترین مکان برای انجام این فعالیت هاست.

او در ادامه اضافه می کند: «در ابتدای تأسیس پایگاه بسیج، پایگاه بسیج خواهران نداشتیم. با یکی از خواهران محله که فعال بودند، صحبت کردم و پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) را افتتاح کردیم. پایگاه خواهران کلاس های مشاوره در رابطه با فرزندآوری، پیشگیری از طلاق، پیشگیری از اعتیاد و... را با حضور استادان خیلی خوب از جبهه فرهنگی برگزار می کند تا اهالی محله از آن بهره ببرند.»



گرفتن ۴۵۰ سند برای منازل و مغازه های محله

عموزیدی سپس به برنامه هایی که تاکنون برگزار کرده اند، اشاره می کند: «یک گروه همیاران داریم که تعدادی مددجو تحت پوشش این افراد قرار گرفتند و به آن ها در مسائل مختلف کمک و برایشان کلاس های آموزشی مختلف برگزار می کنند. امامزاده سید یحیی محله جلوان در مناسبت های مختلف با همکاری پایگاه برنامه های مختلف برگزار می کند.»

او در ادامه می گوید: «گروه جهادی پایگاه بسیج امیرالمؤمنین (ع) در رابطه با ساخت و ساز مدارس و منازل و مشکلات اهالی محله به مردم کمک می کنند. یک گروه جهادی دیگر داریم که یک سال است در حوزه برگزاری برنامه های مختلف و اردوهای تفریحی برای نوجوانان و جوانان فعالیت می کند. پایگاه برای خانواده ها اردوهای تفریحی و گردشگری برگزار کرده است. در حوزه ورزش برای نوجوانان و جوانان در رشته فوتسال و شنا برنامه داریم. برنامه ریزی کردیم پایگاه را برای فعالیت های ورزشی نوجوانان و جوانان آماده کنیم؛ چراکه بیشتر مخاطبان پایگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) نوجوان هستند. در برنامه های مختلفی که برگزار می کنیم، حدود ۵۰ نفر شرکت می کنند؛ در حوزه اعتقادی نیز

کلاس های معرفتی، امتیازبندی برای شرکت در نمازجماعت، برگزاری کلاس های آموزش قرآن، کلاس های اخلاق و معرفت و... را برگزار می کنیم.»

این فعال فرهنگی محله ادامه می دهد: «خدا را شکر برای برگزاری برنامه های اعتقادی نوجوانان و جوانان روحانی مسجد به پایگاه بسیج کمک می کند؛ فقط تعداد محدودی از منازل اهالی محله سند داشت. با تلاش هایی که پایگاه بسیج محله داشت، ۴۵۰ سند برای منازل و مغازه های محله گرفتیم. این کار در سال ۱۴۰۰ حرکت خوبی بود و مردم از این اتفاق بسیار خوشنود بودند. در حوزه های مختلف به صورت مستمر به اهالی محله خدمات می دهیم؛ در دوران کرونا نیز بسته های معیشتی و بهداشتی توزیع می کردیم. محله را ضد عفونی می کردیم و اقدام های متفاوت دیگری برای بهبود وضعیت اهالی محله انجام می دادیم. در بازه زمانی بیماری کرونا افرادی که به آن ها خدمات می دادیم، سه برابر شد؛ چراکه خیلی از افراد محله دچار بیماری و مشکلات مختلف شده بودند و نیازمند کمک بودند.»

او در انتها به چالشی که با آن مواجه هستند، اشاره می کند: «هر کار فرهنگی، عمرانی، اجتماعی و... زمانی که بخواهد انجام شود

در ابتدا باید بودجه اش تأمین شود. ما برای تأمین بودجه فعالیت های خود با مشکل مواجه هستیم. برخی فکر می کنند بودجه پایگاه های بسیج را سپاه تأمین می کند؛ در صورتی که بودجه ای که از سپاه به ما تعلق می گیرد، به اندازه ای کم است که قابل بیان نیست. بیشتر هزینه های پایگاه را باید خودمان تأمین کنیم.»

مشکلات امامزاده حل شود حضور زائران پررنگ می شود

حسین داستان پور، مسئول برنامه های فرهنگی امامزاده سید یحیی محله، در ادامه این گفت و گو از فعالیت های فرهنگی که در طول سال در امامزاده انجام می شود، می گوید: «برنامه هایی که برگزار می کنیم، مناسبتی است. اکثر شب های جمعه دعای کمیل برگزار می کنیم. در برنامه هایی که از محله های مختلف مانند حصه، دارک، ارزنان و... شرکت می کنند. امامزاده سه مشکل بزرگ راه، روشنایی و گاز دارد. اگر این مشکلات حل شوند، زائران امامزاده چندبرابر می شود. در محله جلوان مجموعه های مختلف باید هماهنگی و همکاری بیشتری با هم داشته باشند تا برنامه هایی که دارند، تأثیرگذارتر باشد.»





منیره فهامی

مرتضی، اولین شهید محله جلوان بود

گفت وگو با برادر شهید مرتضی حاج قاسمی

خیلی به هم انس داشتیم
همه آن دوران خاطره بود که هیچ وقت از نظرم نمی رود. چهارپنج سالی می رفتیم شهر برای کار و مدرسه. روستای ما از شهر فاصله داشت و وسیله نقلیه نبود. مجبور بودیم شب پیاده به روستا برگردیم. سگ های ولگرد زیاد بود و می آمدند جلوی راهمان را می گرفتند. جاده آسفالت نداشت و خیلی رفت و آمد سخت بود؛ ولی ما با شوروشوقی که داشتیم، تمام این سختی های رفت و آمد را تحمل می کردیم. آن قدر با هم انس داشتیم و در راه با هم شوخی می کردیم که نه ترسی داشتیم و نه سختی ها مانع ما می شد. همیشه با هم بودیم. وقتی همدیگر را نمی دیدیم، انگار چیزی گم کرده باشیم، برایمان خیلی سخت بود.

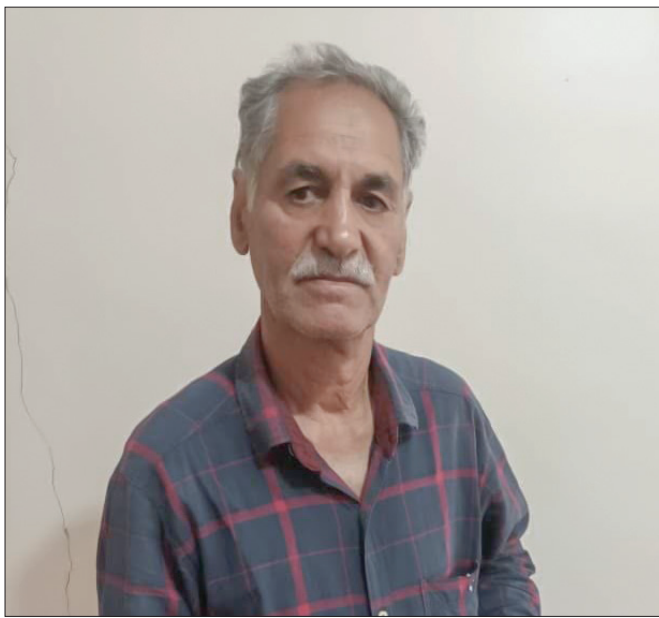
زندگی ساده ای داشتیم؛ اما شیرین
مرتضی اخلاق خیلی شیرینی داشت و بسیار مهربان بود؛ مردم محل هم خیلی از دست او راضی بودند و دوستش داشتند. ما در منزل سه چهارتا برادر بودیم و با اینکه امکانات زیاد نبود، زندگی مان خیلی شیرین بود. پدرمان درآمد زیادی از کشاورزی نداشت. زندگی خیلی ساده ای داشتیم؛ ولی خیلی زندگی مان خوب بود؛ تا اینکه جنگ مرتضی را از ما دور کرد.

در محل، کلاس سوادآموزی راه انداخته بود
وقتی انقلاب پیروز شد، در یکی از منازل محل نهضت سوادآموزی راه انداخته بود و به افرادی که سواد نداشتند یکی دو ساعت آموزش می داد؛ مردم محل هم آن زمان، چون انقلاب شده بود خیلی با مرتضی همکاری می کردند. یک سالی این کار را انجام می داد؛ تا اینکه عازم جبهه شد. قبل از رفتن، یک تیم فوتبال هم در محل تشکیل داده بود؛ خودش نیز مربی بچه ها شده بود و با آن ها تمرین می کرد.

آخرین دیدار
پدر و مادرم با رفتنش به جبهه، هیچ مخالفتی نکردند؛ وقتی هم که رفت، دعای خیرشان را بدرقه راهش کردند. ۱۰ روز قبل از عملیات بیت المقدس از جبهه برگشت. از ناحیه کتف و بازو زخمی شده بود. هفت هشت روزی در بیمارستان اراک بستری شده بود؛ بعد آمد منزل. یک هفته ای اینجا ماند. هنوز زخم هایش خوب نشده بود که دوباره برگشت. موقع رفتن مادرم به مرتضی گفت: هنوز زخم هایت خوب نشده، کمی بمان تا بهتر شوی، بعد برو. مرتضی گفت: نمی توانم. یک حمله ای در پیش است. حتما باید بروم. همه مان نشستیم بودیم دور هم. رو کرد به ما و گفت: امکان داره من دیگه برنگردم. (وقتی جمله آخر برادر را یادآور می شود، اشک امانش نمی دهد. چند لحظه سکوت می کند و ادامه می دهد) مادرم گفت: این صحبت ها را نکن. ان شاء الله می روی و سلامت برمی گردی. تخریبچی بود و خط شکن. بالاخره رفت و بعد از ۱۰ روز خبر شهادتش را آوردند.



روزها کار می کردیم و شب ها درس می خواندیم
آن زمان اینجا روستا بود و امکاناتی نداشت. جمعیتش کم بود؛ فقط من و مرتضی برای درس خواندن به شهر می رفتیم. روزها می رفتیم شهر، سرکار و شب ها در مدرسه خیام درس می خواندیم. تا نهم را خواندیم. کار ما در یک کارگاه صنعتی بافندگی بود. قطعات یدکی کارخانه های بافندگی را می ساختیم؛ مرتضی هم کارهای تراشکاری و قالب سازی را انجام می داد. هر دوتایمان شاگرد بودیم. از ۱۳ سالگی کار را شروع کردیم.



حدود ۴۰ سال پیش، مردم محل پول ساختند و گذاشتند و دبستانی برای محله جلوان ساختند و نام اولین شهید محله، شهید مرتضی حاج قاسمی را روی آن گذاشتند. حالا به غیر از نام مدرسه، نام یک کوچه و دبیرستان محل نیز به نام این شهید عزیز است. اکبر حاج قاسمی، برادر شهید مرتضی است. او چند سالی عضو هیئت امنای تنها مسجد محله جلوان، مسجد امیرالمؤمنین (ع) بود و پیگیری کارهای مسجد. از ساخت محراب مسجد گرفته تا آوردن امام جماعت برای مسجد همه را پیگیری کرده است. او حالا کارهای مسجد را به جوان ترها سپرده و بازنشسته کارگاهی است که ساخت لوازم یدکی کارخانه های بافندگی را انجام می داد. می خواهیم از برادر شهیدش، مرتضی، برایمان بگویید:

۲۱ سالش بود که رفت جبهه
مرتضی متولد ۱۳۳۹ بود. ۲۱ سالش بود که رفت جبهه. مرتضی یک سال از من کوچک تر بود و فرزند چهارم خانواده. پدرمان کشاورز بود و به خاطر کهولت سن، خیلی نمی توانست کار کند.

دنبالش بودند که دستگیرش کنند
مرتضی تا سیکل را خواند و بعد رفت جبهه. ما همیشه با هم بودیم. قبل از پیروزی انقلاب مرتب در تظاهرات حضور داشت و اعلامیه های امام را پخش می کرد. یک بار ساواکی ها دنبالش بودند تا دستگیرش کنند؛ ولی موفق نشدند. آن زمان، قبل از پیروزی انقلاب، یک عده از مردم محل، با این کارها و فعالیت ها مخالف بودند؛ ولی مرتضی دست از فعالیت بر نمی داشت و وقتی آن ها چیزی می گفتند، از کوره در نمی رفت. هیچ وقت عصبانی نمی شد و با صبوری از کنار صحبت های آنان می گذشت. گذشت تا اینکه انقلاب پیروز شد. وقتی دید در سنج و کردستان درگیری است، رفت آنجا. هفت هشت ماهی آنجا بود. با کومه هادریگری داشتند. از آنجا که برگشت، جنگ ایران و عراق شروع شده بود. سه ماهی، در پادگان امام حسین (ع) دوره دید و بعد اعزام شده به جبهه.

شهید گریه نمی خواهد؛ پیرو می خواهد
پنج شش ماهی جبهه جنوب بود تا اینکه در عملیات بیت المقدس، در خرمشهر به شهادت رسید. سال ۶۰ بود و ۲۱ ساله و اولین شهید محله جلوان. در وصیت نامه اش نوشته بود: برای من گریه نکنید. شهید گریه نمی خواهد؛ پیرو می خواهد.

در کلاس های اسلحه شناسی محل شرکت می کرد
بعد از پیروزی انقلاب در محل، یک پایگاه بسیج تشکیل شده که کلاس های اسلحه شناسی داشت. من و مرتضی هم به این کلاس ها رفتیم. از سپاه آمدند و گفتند: اگر کسی علاقه داره، بیاید و در دوره های آموزشی پادگان شرکت کند؛ مرتضی هم رفت. از طرف دیگر، امام خمینی (ره) دستور داده بود که هر کسی می تواند در جبهه حاضر شود. این شد که مرتضی تصمیم به رفتن گرفت.



اکرم گیانی

پرواز مرغ خیال

گفت و گو با میثم نیلی، هنرمند مینیاتوربست محله جلوان



مینیاتور یا نگارگری به هنری گفته می‌شود که در آن، هنرمند تلاش می‌کند با استفاده از مواد ارزشمند نظیر طلا و نقره و رنگ‌های منحصربه‌فرد، اثری فاخر خلق کند. آثار نگارگری شده معمولا ابعاد کوچکی دارند. این هنر، ریشه در ایران باستان دارد و با ورود اسلام به ایران، به شدت توسعه یافت و به عنوان یک هنر محبوب و ارزشمند شناخته شد. هنر مینیاتور و نگارگری نوعی از نقاشی است که در آن، هنرمند با الهام‌گیری از طبیعت به صورت بسیار ظریف و ترکیب شده با قوه تخیل خود آن را به تصویر می‌کشد؛ در واقع مینیاتوربست، هنرمندی است که به آنچه خود می‌اندیشد، یا می‌پندارد که بیننده علاقه‌مند به دیدن آن است، تجسم می‌بخشد و به هیچ وجه تابع مقررات و قوانین حاکم بر فضای نقاشی نیست. میثم نیلی متولد ۱۳۵۹ و دارای مدرک تحصیلی دکترای نقاشی و مینیاتوربست از اهالی محله چهارباغ خواجو اصفهان است که به محله جلوان اشرافیت دارد و کوچه شهید مجید نیلی که در محله جلوان وجود دارد، به نام عمومی ایشان مزین شده است.

ویژگی‌ها و ظرافت‌های حرفه مینیاتورسازی

او درباره حرفه مینیاتورسازی و ظرافت‌های این کار به «هم‌محله» می‌گوید: «هر فرد و هر هنرمندی که بخواهد نقاشی کند، در ابتدای کار باید کلاس‌های طراحی را بگذراند، شناخت رنگ، ساخت‌وساز و تکنیک‌های آناتومی را باید کار کند و بتواند دوره‌های طبیعت‌سازی را بگذراند. بعد از طی کردن این دوره‌ها آن هنرمندی که به شکل نگارگر یا مینیاتورساز کار می‌کند، باید بر تخیل‌نگاری تسلط داشته باشد؛ یعنی اینکه فرد باید از تخیلاتش و انتزاعی‌گرایی استفاده کند و آن را به نقاشی پیوند دهد.» نیلی درباره اهمیت برخورداری از ویژگی‌ها و مهارت‌ها برای یک هنرمند مینیاتوربست تأکید می‌کند: «یک نقاش ممکن است عکسی را از طبیعت بگیرد یا به داخل طبیعت برود و شکلی را که می‌بیند (درخت یا کوه)، کار کند. اما هنرمندی که تخیل‌نگاری می‌کند یا نگارگر و مینیاتورساز است، حتماً باید آن را از طبیعت اقتباس کند و الهام بگیرد؛ بعد از آن تکنیک‌هایی را که با ذهن او در ارتباط است، پیاده کند و آنالیز شده جزئیات آن طبیعت را روی بوم، مقوا یا کاغذ به طور دقیق مورد نظر قرار دهد. به طور یقین هنرمند نگارگر اگر بخواهد تا حدودی ویژگی مشخصی داشته باشد، همان تخیلی‌بودن، خیالی‌نگاری یا انتزاعی‌کارکردن اوست که هنرمند نگارگر را از دیگر هنرمندان و نقاشان رئال‌گرا متمایز می‌کند.» این هنرمند درباره علاقه‌اش به حرفه مینیاتورسازی از دوران کودکی عنوان می‌کند: «در دوران کودکی‌ام، پدر بزرگم

یک اتاق مخصوص در منزلش داشت. روی میز و صندلی در این اتاق مخصوص می‌نشست و قاب‌هایی را که از میدان نقش جهان برای او می‌آوردند نقاشی می‌کرد. می‌دیدم که پدر بزرگم از خانه بیرون نمی‌رود و در همان اتاق مخصوص که کارگاهش بود، ساعت‌ها کار می‌کرد.»

خانواده‌ام با ورودم به عرصه هنر مخالفت می‌کردند

او ادامه می‌دهد: «از همان دوران کودکی یک روز که پدر بزرگم منزل نبود، به اتاقش رفتم و یکی از کارهایش را کپی کردم. زمانی که آمد، کار را به او نشان دادم. پدر بزرگم بسیار ناراحت شد و گفت: این نقاشی که کشیدی اصلاً خوب نشده است. بعد از ظهر همان روز من خواب‌بیدار بودم که شنیدم پدر بزرگم به مادر بزرگم گفت: میثم امروز نقاشی خوبی کشیده بود؛ ولی من او را تشویق نکردم که نخواهد در مسیر

هنر بیاید؛ به دلیل اینکه هنر سختی‌ها و مشقت‌های زیادی دارد و آن بازدهی اقتصادی که مدنظرم هست، نمی‌تواند برای میثم داشته باشد و بهتر است او به سمت شغل‌های دیگری برود.» نیلی خاطر نشان می‌کند: «بنده به صورت اتفاقی صحبت‌های پدر بزرگم را آن روز شنیدم و بعد از این اتفاق، انگیزه و تلاشم در این مسیر بیشتر از قبل شد. با پدر بزرگم بسیار صحبت کردم که اجازه بدهد من به رشته هنر بروم و در این مسیر ادامه تحصیل بدهم؛ اما جای تأسفد دارد که در این زمینه مشوق نداشتم و همیشه در خانواده با بنده درباره ورودم به رشته هنر مخالفت می‌کردند. مخالفت‌های پدر و پدر بزرگم باعث شد انگیزه بیشتری برای یادگیری هنر داشته باشم و به هنرهای زیبای اصفهان راه پیدا کنم و نزد استادان بزرگ مکتب اصفهان هنرنگاری را یاد بگیرم.» او عنوان می‌کند: «بعد از اینکه احساس کردم در مکتب اصفهان به درکی که باید داشته باشم، نرسیده‌ام به تهران رفتم و خدمت استادان معاصر نگارگری تهران حرفه نگارگری را به خوبی یاد گرفتم. دوباره این حرفه را ارتقا دادم و به سبک خاص معاصر رسیدم. حدود ۳۰ سال است که در این عرصه کار می‌کنم و هنوز هم خودم را یک هنرجو بیشتر نمی‌بینم. به نظرم این قطره‌ای بود از آن اقیانوس بیکران هنر که بنده نوشیدم و تشنه و تشنه‌تر شدم؛ برای اینکه بتوانم این هنر را بهتر درک کنم و به نسل‌های بعدی انتقال دهم تا در گوشه‌ای از تاریخ هنر نگارگری در آینده‌های دور، اسمی از ما باشد و تأییری بر این هنر گذاشته باشم.»

خلق اثرهای هنری

باتوجه به روحیه‌های خاص

این هنرمند مینیاتورسازی در خصوص



به عنوان یک هنرمند کوچک توانستم شاگردان خوبی را تربیت کنم که آن‌ها در جشنواره‌ها و فستیوال‌های مختلف مانند فجر دوسالانه و جشنواره امام‌رضا (ع) رتبه آوردند و کسب افتخار کردند. این اتفاق، افتخاری برای بنده است که در این سال‌ها به عنوان یک هنرمند اثر هنری خلق کرده و به عنوان یک معلم تدریس کردم و توانستم تجربه‌هایم و قطره‌هایی از اقیانوس بیکران هنر را به شاگردانم و افراد علاقه‌مند به یادگیری هنر بچشانم.»

نیلی خاطرنشان می‌کند: «هنر چیزی نیست که با یک یا دوسه دوره آموزشی فرد را به هدف خاصش برساند. هدف‌ها می‌توانند کاملاً مقطعی باشند. آن فردی که می‌خواهد هنر را ادامه دهد، باید اول عاشق باشد؛ بعد بتواند استعدادها و ویژگی‌اش را در زمینه هنر با تکنیک‌ها نشان دهد. باید بتواند احساساتش را با تکنیک‌ها تداخل دهد؛ تحقیق و پژوهش هم داشته باشد؛ در این صورت است که هنرمند می‌تواند به نتیجه مطلوب خودش برسد.»

تربیت شاگردان خلاق در عرصه هنر مینیاتورسازی

این هنرمند مینیاتورساز عنوان می‌کند: «هر هنرمندی باید به همین ترتیب تلاش و کوشش کند و همراه با آن، تحقیق و پژوهش داشته باشد. افراد بدانند که هنر رنج، تلاش و کوشش است و از نظر اقتصادی هم نتیجه‌هایی که یک هنرمند باید ببیند، به‌طور یقین نمی‌بیند. شاید در دوران مختلف آن حمایت‌هایی که از هنر انجام می‌شده، به شکل سینوسی بوده است و آن هنرمند در کش و قوس همین موارد خواهد بود؛ اما فردی که به عنوان هنرجو می‌آید حتماً باید تمام این موارد را از قبل بداند و اینکه چه می‌گذرد و چه خواهد شد و با این شرایطی که قبول می‌کند، بتواند پا در عرصه هنر بگذارد.»

او درباره تربیت شاگردانش در عرصه هنر مینیاتورسازی می‌گوید: «جای خرسندی دارد که ما به این عرصه پا گذاشتیم؛ البته با وجود حمایت‌ها و آموزش‌هایی که بود، این موفقیت‌ها به‌دست آمده بنده

دارد که درون او وجود دارد و به‌طور طبیعی با تکنیک‌های خاص خودش است.»

نیلی درباره سختی‌ها و دغدغه‌های یادگیری هنر مینیاتور و هنرمندان این حرفه می‌گوید: «بزرگان این رشته هنری اطلاعات خودشان را سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعد انتقال می‌دادند و معلم و مدرس کمتر وجود داشت. در زمان‌های قدیم بیشتر هنرمندان آثارشان را با ذوق و سلیقه خلق می‌کردند و آن موقع یک فردی در دوران کودکی به‌راحتی نمی‌توانست به کلاس آموزشی برود.»

او تصریح می‌کند: «اما در روزگار امروز می‌توانیم ببینیم که معلمان و مدرسانی برای آموزش دادن هستند و یک فرد علاقه‌مند با رفتن به کلاس، دانشگاه و هنرستان می‌تواند به اهدافش برسد. به‌طور یقین، تلاش و کار، تحقیق و پژوهش رمز موفقیت در زمینه هنر است. به قول لئوناردو داوینچی؛ وای به حال آن هنرمندی که تنوری‌اش از عملش بالاتر برزند.»

نحوه خلق اثرهایش اظهار می‌کند: «وقتی یک هنرمند نقاش یا نگارگر می‌خواهد اثری را خلق کند، اول آن روحیه‌های خاصی را که دارد، در دل خودش موردبررسی قرار می‌دهد. می‌بیند که این فرد؛ مذهبی، عرفانی، اجتماعی یا بازاری است یا اینکه بیشتر ادبیاتی، شاهنامه‌ای و حماسی است؛ بعد می‌آید و با توجه به روحیه‌های خاص خودش، حیطة موردنظر را برای کار قرار می‌دهد؛ برای مثال، اگر فردی مانند میثم نیلی بیشتر روحیات عرفانی و مذهبی دارد، بیشتر آثاری را خلق می‌کند که به امام و پیامبر و وحی خداوندی و این موارد مربوط باشد تا بتواند آن حال خودش را بیان کند و درواقع «از کوزه همان برون تراود که در اوست» و به‌طور دقیق، هنرمند حال و هوای خود را به شکل شعر، موسیقی و نقاشی پیاده و بیان می‌کند.»

او تأکید می‌کند: «برای مثال، اگر بنده فردی ورزشکار و حماسی بودم، بیشتر آثار شاهنامه‌ای را کار می‌کردم. روحیات و حال هنرمند بیشتر به مواردی گرایش



یک پایگاه، صدها شرکت‌کننده و یک آرزو

گفت‌وگو با مرضیه جمشیدیان، مسئول پایگاه حضرت فاطمه معصومه (س) محله جلوان

یکی از برنامه‌های شاخص، جشن تکلیف دختران ۹ ساله و جشن روزه‌اولی‌ها بود که با مشارکت بانوان محله و اهدای هدایا همراه شد.

چالش‌های پیش رو؛ نبود مکان ثابت

جمشیدیان با اشاره به مشکلات پایگاه گفت: متأسفانه مکان ثابتی برای برگزاری برنامه‌ها نداریم و مجبوریم هر روز در مکان‌های مختلف مثل امامزاده، پایگاه برادران، منازل اهالی یا مدارس برنامه‌ها را اجرا کنیم. این مسئله باعث شده است برنامه‌ریزی بلندمدت با دشواری مواجه شود؛ با این وجود، پایگاه با همکاری مردم و خیران، فعالیت‌های خود را با کیفیت ادامه می‌دهد.

پایگاه فاطمه معصومه (س) محله جلوان، با وجود محدودیت‌های مکانی، با خلاقیت و مشارکت مردم، برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی متنوعی را اجرا می‌کند. این فعالیت‌ها نه تنها به تقویت روحیه جمعی کمک کرده، بلکه زمینه‌ساز رشد استعدادها و نوجوانان و تحکیم بنیان خانواده‌ها شده است. امید است با حمایت مسئولان، این پایگاه به فضای مناسب‌تری دست یابد تا بتواند خدمات بهتری ارائه دهد.



و آکواریوم ترتیب داده شد؛ همچنین در هفته معلم، با معرفی کتاب‌های استاد مطهری و اهدای هدایایی مانند قاب فرش امام‌رضا (ع) به معلمان دبستان شهید سیجانی، از زحمات‌های آنان تقدیر شد.

برنامه‌های مذهبی و خیریه

در دهه کرامت، موبک پذیرایی به مدت ۱۰ شب در خیابان حرم زینبیه برپا و جشنی شاد برای کودکان و نوجوانان در امامزاده سیدیحیی (ع) برگزار شد.

در میدان امام با حضور نوجوانان و جوانان فعال پایگاه؛ -مشاوره همسررداری با حضور استاد حجت‌الاسلام صغیر در دبستان شهید سیجانی محله؛ -پیاده‌روی و صبحانه وحدت در بوستان نسترن به مناسبت دهه کرامت؛ -استعدادیابی دختران برای کلاس‌های تابستانی و گروه تئاتر. برای بانوان محله، اردوی نیم‌روزه به سالن اجلاس، باغ پرندگان، گلخانه‌های گرمسیری

در محله جلوان، پایگاه فرهنگی فاطمه معصومه (س) با وجود نداشتن مکان ثابت، با همت و تلاش جمعی اهالی و مسئولان، برنامه‌های متنوعی را برای اقشار مختلف، به‌ویژه زنان، کودکان و نوجوانان برگزار می‌کند. مرضیه جمشیدیان، مسئول پایگاه حضرت فاطمه معصومه (س) محله جلوان، در گفت‌وگو با «هم‌محله» به تشریح فعالیت‌های اخیر و چالش‌های پیش روی این مجموعه پرداخت.

مراسم سالگرد شهید رئیسی و فتح

خرمشهر در امامزاده سید یحیی (ع)

به مناسبت اولین سالگرد شهادت شهید آیت‌الله رئیسی و سالروز فتح خرمشهر، مراسمی با حضور مردم محله در آستان مقدس امامزاده سید یحیی (ع) برگزار شد. این برنامه شامل سخنرانی، مداحی و تجلیل از یاد و خاطره شهدای خدمت و دفاع مقدس بود.

پایگاه فاطمه معصومه (س) با هدف تقویت روحیه نشاط و معنویت در بین نوجوانان و جوانان، برنامه‌های مختلفی همچون کلاس‌های ورزشی، هنری و آموزش قرآن و احکام ترتیب داده است؛ -دوره‌های دخترانه به مناسبت روز دختر



زهره سادات طالقانی



زهره سادات طالقانی

محرومیت زدایی از حاشیه‌ها

گفت‌وگو با مسعود نصیری، مسئول گروه جهادی «محبان الزهرا(س)»



روبه‌رو هستند. گروه محبان الزهرا(س) در حوزه مطالبه‌گری حقوقی نیز فعال است. نصیری می‌گوید: «معضل‌هایی مانند کارتن‌خوابی، اعتیاد متجاهر، کمبود امکانات آموزشی و درمانی و مشکلات زیرساختی را پیگیری کرده‌ایم. خوشبختانه با همکاری مدیران شهری، برخی از این مشکلات حل شده و برخی دیگر در دست اقدام است.»

او با بیان اینکه رضایت مردم محروم، بزرگ‌ترین پاداش این گروه جهادی است، تأکید می‌کند: «ما خود را مدیون خون شهدا و آرمان‌های انقلاب می‌دانیم و تا زمانی که محرومیتی باقی باشد، از پای نخواهیم نشست.»

گروه جهادی محبان الزهرا(س) نمونه‌ای از حرکت‌های مردمی است که با روحیه جهادی و انقلابی، در مسیر آبادانی ایران اسلامی گام برمی‌دارند.

پزشک را ندارند.»

حمایت از ۱۰۰ خانوار نیازمند و اشتغال‌زایی برای زنان سرپرست خانوار

نصیری با اشاره به برنامه‌های خیریه گروه می‌گوید: «۱۰۰ خانوار نیازمند تحت پوشش ما هستند. در طول سال، بسته‌های معیشتی، غذای گرم و لوازم‌التحریر برای دانش‌آموزان این خانواده‌ها توزیع می‌شود؛ اما حمایت این گروه تنها به کمک‌های مادی محدود نمی‌شود. در حوزه اشتغال‌زایی، اقدام‌های مؤثری انجام شده است. برای زنان سرپرست خانوار، بازارچه‌های اقتصاد مقاومتی راه‌اندازی کرده‌ایم تا تولیدات خانگی خود را بفروشند؛ همچنین با همکاری شرکت‌های مختلف، بیش از ۳۰۰ نفر از افراد جویای کار در خانواده‌های تحت پوشش را به کار گماشته‌ایم.»

حاشیه شهرها همیشه با مشکلات متعددی

هیئت‌امنا و ۳۵ عضو فعال در حوزه‌های مختلف است و در مناطق کم‌برخوردار حاشیه اصفهان تلاش می‌کند گامی هرچند کوچک در جهت عدالت و پیشرفت بردارد.»

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه، حضور در عرصه عمران و سازندگی است. نصیری در خصوص پروژه‌های انجام‌شده می‌گوید: «در روستاهای اطراف اصفهان، بازسازی مساجد، ساخت آب‌انبار و مرمت مدارس را در کارنامه داریم. این اقدام‌های هرچند کوچک، برای مردم مناطق محروم بسیار ارزشمند است. در حوزه بهداشت و درمان، گروه محبان الزهرا(س) با برگزاری اردوهای جهادی پزشکی، خدمات چشمگیری ارائه داده است. در هر مرحله از این اردوها، بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر توسط پزشکان عمومی و متخصص ویزیت می‌شوند. بسیاری از این افراد به دلیل فقر مالی، امکان مراجعه به

در حاشیه شهر اصفهان، جایی که محرومیت‌ها بیشتر از امکانات است، گروهی جوان و انقلابی با نام «محبان الزهرا(س)» از ۱۳۹۸ با عزمی راسخ و باتکیه بر ارزش‌های اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری، با در مسیر خدمت گذاشته‌اند. مسعود نصیری، مسئول این گروه جهادی، در گفت‌وگو با «هم‌محل» از اهداف و اقدام‌های این مجموعه می‌گوید.

تشکیل گروه جهادی

با الهام از فرهنگ ایثار و جهاد

نصیری با اشاره به انگیزه‌های شکل‌گیری گروه توضیح می‌دهد: «ما با الهام از خون شهدا و تعالیم اسلام ناب محمدی(ص) حرکت خود را آغاز کردیم. اعتقاد داریم خدمت به محرومان، نه تنها یک وظیفه اجتماعی که تکلیفی دینی و انقلابی است. این گروه جهادی متشکل از شش نفر

جلوان می‌تواند پایگاه قهرمانی اصفهان باشد

گفت‌وگو با علی رضایی رحیمی؛ فوتبالیست جلوانی

جلوان اظهار کرد: امکانات ورزشی این محله بسیار محدود است. هیچ سالن ورزشی و زمین فوتبال در محله جلوان وجود ندارد. از مسئولان می‌خواهم به فکر باروری استعداد‌های زیاد نوجوانان و جوانان این محله‌ها باشند که هدر نروند. رضایی رحیمی گفت: بسیاری از نوجوانان و جوانان با استعداد و علاقه‌مند به رشته فوتبال در این محله با نبود سالن ورزشی و زمین فوتبال مواجه هستند. امیدوارم در آینده شاهد ساخت یک زمین ورزشی در این محله باشیم. برای این محله یک آکادمی کوچک می‌تواند بیشترین استعدادها را پرورش و به جامعه تحویل دهد. او ادامه داد: تشکر و قدردانی می‌کنم از عزیزان و مسئولانی که صادقانه در تلاش و تکاپو هستند تا جوانان هر محله و منطقه و استان به درجات عالی برسند. عاجزانه درخواست می‌کنم که به مناطق پایین شهر بها دهند تا شاهد پیشرفت جوانان و نوجوانان برومند شهر زیبای اصفهان باشیم.



کشور شدم. در بخش جوانان، نایب‌قهرمانی با تیم ذوب‌آهن باعث افتخار من بود که از یک محله کم‌برخوردار از استان اصفهان به این مرحله رسیده‌ام. این قهرمان فوتبالی محله

حمایت کرد. امیدوارم بتوانم زحماتش را جبران کنم. سال‌ها از کار خودش زد تا من را به محل تمرین برساند. او بیان کرد: ۱۳ سال قهرمان استان و ۱۴ سال نایب‌قهرمان استان در مقطع نوجوانان

علی رضایی رحیمی، متولد ۱۳۸۳ کارشناس تربیت‌بدنی دانشگاه آزاد خوراسگان است. او قهرمان مسابقات کشوری و استانی به همراه تیم‌های ذوب آهن و آینده سازان اصفهان است که سال ۸۹ در تیم منتخب اصفهان بازی کرد. این قهرمان جوان محله جلوان در گفت‌وگو با «هم‌محل» تصریح کرد: به علت علاقه زیاد به این ورزش از هشت سالگی با تست دادن در آکادمی ذوب آهن انتخاب شدم و این راه ادامه داشت؛ تا اینکه به گرفتن مربیگری و د ک کشور موفق شدم.

رضایی رحیمی خاطرنشان کرد: خانواده و پدرم مشوق اصلی من در ورزش فوتبال بودند. از هشت سالگی، پدرم هفته‌ای سه تا چهار روز من را به محل تمرین می‌رساند و در این راه بسیار زحمت می‌کشید؛ به دلیل اینکه باشگاه از محل زندگی ما بسیار دور بود. پدرم شاهد تمرین‌های من و علاقه زیادم به این ورزش بود. همین‌جا خالصانه از او تشکر می‌کنم که جانانه من را



دلارام قندهاری



منیره فهامی

۱۱۰ پاسدار راسر بریده بودند

گفت وگو با جانباز سعید نیلی خواجویی و مادر شهید مجید نیلی خواجویی

بودم. در پایگاه هوایی آنجا زندگی می‌کردیم. آنجا همه‌اش کویر و بدآب و هواست. مرتب با اشرار درگیری داشتیم و شهید می‌دادیم. خیلی ناآرام بود.

سه بار سکت قلبی کرده‌ام

در این سال‌ها به خیلی از شهرهای ایران رفتم. تهران، ارومیه، یزد و... سال ۶۳ با همسر برادر شهیدم ازدواج کردم. در طول سال‌های خدمتم، همراه خانواده‌ام ۱۱ شهر اسباب‌کشی کردیم. آن‌ها خیلی اذیت شدند؛ خودم هم خیلی اذیت شدم. حالا نه مو دارم، نه ریه و نه دندان. به خاطر موج انفجار، از نظر اعصاب و روان هم مشکل دارم. ضربان قلبم کمتر از حد طبیعی است و دیگر نمی‌توانند بی‌هوشم کنند. تا به حال سه بار سکت قلبی کرده‌ام و یک بار ایست قلبی شده‌ام. با قرص و دارو زنده‌ام. چند روز پیش که بستری شدم، گفتند: باید دستگاه کمک‌تنفسی، همیشه کنار باشد؛ یک دستگاه اکسیژن هم که داشتیم. می‌خندد و می‌گوید: «اتاقم مثل بیمارستان شده است. امسال اسامم درآمد برای حج واجب؛ ولی به خاطر بیماری و شرایط جسمی‌ام نتوانستم بروم.

تیر خورده بود توی پیشانی‌اش

جمع‌جمعه‌اش سوراخ بود

زمان جنگ، در عملیات‌های بیت‌المقدس مقدساتی، بیت‌المقدس، فتح‌المبین، والفجر مقدساتی و چند عملیات دیگر حضور داشتم. در والفجر مقدساتی با برادرم شهید مجید، با هم بودیم. مجید آنجا مجروح شد. تیر خورد زیر گلویش و از پشت بدنش درآمد. چند بار مجروح شد؛ ولی جبهه را رها نمی‌کرد. دو ماهی هم در دوکوهه با هم بودیم. خیلی دنبال جنازه‌اش گشتم. افرادی که لحظه شهادت با او بودند می‌گفتند تیر خورد توی پیشانی مجید. وقتی هم که بعد از ۱۰ سال استخوان‌هایش را آوردند. جمع‌جمعه‌اش سوراخ بود.

ترورش کردند؛ هنوز عکسش پهلویم

است

قبل از انقلاب هم در مدرسه اعلامیه پخش می‌کردم و در تظاهرات حضور داشتم. بعد از انقلاب انجمن اسلامی تشکیل دادیم. دبیرستان که بودم، یکی از دوستانم به دست منافقین ترور شد. آن زمان وقتی منافقین می‌دیدند یک نفر لباسش مثل انقلابی‌هاست یا ریش دارد، او را ترور می‌کردند. دوستم در حزب جمهوری اسلامی رفت و آمد داشت؛ ولی یک بار که او رکت پوشیده بود در خیابان شریف‌واقی با تیر ترورش کردند. اسمش احمد کمال بود. هنوز عکسش پهلویم است.

آرزویم این بود که درسم را ادامه دهم

یکی از آرزوهایم این بود که درسم را ادامه دهم. به سختی هم دیپلم را گرفتم. آن زمان خیلی کسی دیپلم نداشت. دیپلم گرفتن قدیم، مثل دکترای الان بود. خیلی دوست داشتم درسم را ادامه دهم و به مقاطع بالاتر بروم؛ ولی بعد از جانبازی نشد ادامه دهم.



در میان برگ‌های غبارگرفته تاریخ این سرزمین، نام‌هایی هست که نه فقط بر سنگ مزار، بلکه بر دل‌های عاشق حک شده‌اند. نام‌هایی که با خون نگاه‌شده‌اند، با صبوری مادران و داغ پدران، با اشک خواهران و سرفرازی برادران. در این روایت، پا در کوچک‌های خاطره می‌گذاریم؛ آنجا که مادر شهید مجید نیلی خواجویی، فاطمه بیگم پورابراهیم، از لایه‌لای سال‌های دور، آینه‌هایی از فرزند شهیدش به دست ما می‌دهد. گفت‌وگویی که با صداقت، سادگی و سوز دلی مادرانه، گوشه‌ای از زندگی کوتاه اما پربار یک شهید جوان را روشن می‌سازد و برادری که خود سال‌های جوانی‌اش را در جبهه‌ها گذرانده و هنوز یادگارهای جنگ، راه نفس‌کشیدنش را بسته است؛ سعید نیلی خواجویی نیز پسر دیگر این خانواده و جانباز شیمیایی است.

مجید پسر سومم بود

مادر شهید، تاریخ دقیق تولد مجید را به یاد نمی‌آورد؛ اما خوب به خاطر دارد که سال ۱۳۶۱ در عملیات محرم، وقتی مجید ۱۸ سالش بود، به شهادت رسید و بعد از ۱۰ سال چشم‌انتظاری آوردنش. فرمانده گروهان امیرالمؤمنین (ع) بود. او ادامه می‌دهد و می‌گوید: «پدرش در میدان نقش جهان، مینیاتور می‌کشید. (وقتی می‌پرسم مجید فرزند چندماتان بود؟ یکی یکی بچه‌ها را نام می‌برد) محمد، سعید، مجید. او پسر سوم بود.»

هشت ماه بعد از عقدش شهید شد

وقتی از او می‌خواهم از خاطره‌های پسرش بگویم. می‌خندد و می‌گوید: «الان که دیگر چیزی یادم نیست...» سپس با همان صداقت مادرانه ادامه می‌دهد: «بعد از شهادتش همه وسایلش را دادم به همسرش. ترسیدم گم شوند. مجید چند ماهی جبهه بود. یک بار که آمده بود مرخصی، گفت: می‌خواهم با خواهر یکی از دوستانم ازدواج کنم. می‌خواهم از خودم یادگاری داشته باشم. عقد کرد و رفت جبهه. هشت ماه بیشتر از عقدش نگذشته بود که خبر شهادتش را آوردند؛ ولی ۱۰ سال چشم‌انتظارش بودیم و مفقودالایر بود.»

کمک پدرش مینیاتور می‌کشید

مجید تا کلاس هشتم نهم درس خوانده بود که رفت جبهه. خیلی منزلت عوض کردیم. در مدرسه‌های مختلفی درس خواند؛ از مدرسه شاهزید گرفته تا مدرسه سوزنچی طوقچی. کلاس دیگری نمی‌رفت؛ اما هر روز بعد از مدرسه، کیفش را می‌گذاشت و می‌رفت مغازه پدرش. کمک او مینیاتور می‌کشید. اخلاقش خیلی خوب بود. اهل نماز و روزه بود. خودش همه کارهایش را انجام می‌داد و بچه مستقلی بود. بعد از شهادت مجید، پسر دیگرم، آقاسعید با همسرش ازدواج کرد. او هم به جبهه می‌رفت. شیمیایی شد و ریه‌هایش آسیب دید.

سال ۶۰ دیپلم می‌گیرد و وارد سپاه زاهدان

می‌شود

وقتی از مادر شهید می‌شنوم که پسر دیگرش جانباز است، تصمیم می‌گیرم با او نیز صحبتی داشته باشم و شنونده خاطره‌هایش شوم.

سعید نیلی خواجویی متولد ۱۳۴۲ است و یک سال از برادر شهیدش بزرگ‌تر. خرداد ۶۰ دیپلم می‌گیرد و وارد سپاه زاهدان می‌شود و بعد به سپاه چابهار می‌رود. سال ۶۳ وارد حفاظت اطلاعات ژاندارمری می‌شود و می‌رود کردستان.

در بمباران شیمیایی سردشت

شیمیایی شدم

جانباز سعید نیلی خواجویی می‌گوید: «سال ۶۰ و ۶۱ در سپاه سیستان و بلوچستان بودم. در جبهه جنوب، پاسگاه زید موج انفجار گرفتم؛ بعد رفتم ژاندارمری، فرمانده پایگاه عملیاتی بودم که رفتم کردستان. سه سال تمام آنجا بودم. سال ۶۶ در بمباران شیمیایی سردشت، شیمیایی شدم. در یگان بودیم که یک مرتبه، هواپیمای دشمن آمد. شروع کرد به انداختن بمب‌های شیمیایی. همه ماسک زدیم و لباس مخصوص پوشیدیم؛ ولی باوجود این، شیمیایی شدم. از ارومیه هلیکوپتر می‌آمد و مجروحان را می‌برد. هلیکوپترها تا غروب مرتب می‌آمدند و مجروح می‌بردند. خیلی لحظه‌های سختی بود. تمام صورت‌ها و بدن‌ها تاول‌زده و سوخته بود. خیلی از مردم سردشت

۱۱۰ پاسدار راسر بریده بودند

کردستان خیلی سخت‌تر از جبهه جنوب بود. جبهه جنوب، دشمن آن طرف آب بود و خودی‌ها این طرف. هر چند وقت یک‌بار هم عملیات بود؛ ولی در کردستان هر شبش جنگ بود؛ مخصوصاً سردشت. یک پایگاه داشتیم به نام مارکو، ۱۱۰ پاسدار را در آنجا سر بریده بودند. آنجا دشمنان و منافقین روزها می‌آمدند قاتی نیروهای خودی و آخر شب دموکرات می‌شدند و کومه و عملیات ایندایی انجام می‌دادند.

تا آخر جنگ سردشت بودم

تا سال ۶۷ و آخر جنگ آنجا بودم. بعد از جنگ ژاندارمری با نیروهای دیگر ادغام و شد نیروی انتظامی. سال ۷۰ از طرف نیروی انتظامی، مأموریت پیدا کردم به گنارک. سه سال آنجا





زهره سادات کاظمی

از باغستان تا خشکستان

پای صحبت مردم محله جلوان و بیان مشکلات ریزودرشت محله



محله جلوان در گذشته روستایی بوده است که باگذشت زمان و کم شدن فاصله اش تا شهر، به بدنه شهر اصفهان اضافه شد؛ روستایی که گذشته درخشانی داشته است. به خاطر آب فراوان و قناتی پرآب، زمین های کشاورزی و باغ های میوه را تجربه کرده است؛ روزگاری که مردم به نیکی از آن یاد می کنند. سرسبزی و نشاط که زندگی را به مردم هدیه می داد؛ اما امروز جاده های خاکی و گردی که با باد روی زندگی مردم هوار می شود، قصه پرنج بی آبی را روایت می کند. کشاورزی به فراموشی سپرده شد و شغلی جایگزین نشد و محله جوان تجربه های تلخی را به دلیل خشک سالی و فقر تجربه کرد. روستای خوش و آب و هوای شمال شرق اصفهان به محله حاشیه ای مبدل شد.

خشک سالی، یعنی مهاجرت بیکاری مردم روستا. محله جلوان با توسعه شهر رشد نکرد و مهر محرومیت بر پیشانی اش حک شد. هجوم مهاجرت و حاشیه نشینی، روستای آباد جلوان را به محله ای مبدل کرده که مشکلات در کوچ پس کوچ هایش جلوان می دهد. آموزشی، یکی از معتمدان محله جلوان از هجوم اتباع و سایر مهاجران به جلوان گلهمند است و می گوید: «مدت هاست اتباع در محله جلوان زیاد شده اند و به دلیل همسایگی با حصه شمالی هم مهاجر زیاد داریم؛ مهاجر داخلی و خارجی از کشورهای مختلف.»

زمین های بایر و بی دفاع شهری فراوان در جلوان

او کمبود فضای سبز را یکی دیگر از مشکلات محله بیان می کند: «دو سالی است یک بازیگده اضافه شده و قرار است فضای ورزشی احداث بشود؛ اما نمی دانیم محقق می شود یا خیر. محله جلوان و حصه شمالی کمترین امکانات را دارد. فرهنگ سرا هم ندارد. فضای رها شده و بی دفاع شهری به وفور پیدا می شود که محل اسکان معتادان متجاهر شده است.»

بنا به گفته او، مالکان زمین های بایر و رها شده، اقدامی برای تعیین تکلیف زمین هایشان نمی کنند. او می گوید: «باغی شخصی در این محله وجود دارد که بلاتکلیف است. متعلق به ملاکین بزرگی است که آن ها را رها کرده اند. زمین های بایر زیادی در این محله وجود دارد که استانداری و وزارت کشور باید فکری برای آن ها بکنند. زمین ها ۳۰ سال است کشاورزی نمی شود. چرا مجوز شهری برای این زمین ها داده نمی شود تا ساخت و ساز بشود و تجمع در شهر کمتر بشود؟ دور زمین ها را خط کشیدند و خارج از محدوده

می شوند. این کوچه محل رفت و آمد شده است؛ اما عرض بسیار کمی دارد. سه راهی انتهای کوچه به دلیل عرض کم باعث تصادف می شود. یک خیابان ۱۶ متری از طرف مجتمع نگین شرق جلوان وجود دارد که باید تکمیل و احداث شود که اگر این خیابان احداث شود، مشکلات این کوچه حل خواهد شد.» او ادامه می دهد: «امنیت در محله پایین است و قرار است ساختمان کلانتری در محله جلوان ساخته و شهرومراهم تمام شود. امیدواریم کلانتری ویژه بشود و امکانات مناسبی برای برخورد با جرایم در آن قرار بدهند و نیروی انتظامی به قولی که در خصوص این کلانتری داده است، عمل کند. وجود این کلانتری ضریب امنیت محله را بالا می برد.»

بازارچه برای چهارشنبه بازار بسازند

علی جدیدی، از دیگر ساکنان محله جلوان هم از امکانات کم محله گلایه مند است و می گوید: «باید امکانات شهری را در محله افزایش بدهند. پیشنهاد می دهیم یک تکه زمین در محله برای چهارشنبه بازار جلوان در نظر بگیرند و بازارچه ای تعریف کنند.»

جلوان محله پروژه های قول داده شده است. بیمارستان، ورزشگاه، خیابان و فرهنگ سرا قول هایی که به ثمر نرسیده و پشت قول های داده شده، مانده است. اجرای این قول های شک به تحول محله کمک خواهد کرد. شهرکی به نام آفتاب هم به همت بخش خصوصی در حال ساخت است که به گفته آموزشی می تواند به رشد محله جلوان کمک کند.

جلوان هم اشاره می کند و ادامه می دهد: «این امامزاده در خارج از محله است و متأسفانه جاده خوبی ندارد. گاز هم ندارد. شهرداری به دلیل خارج از محدوده بودن امامزاده، مجوز حفاری به اداره گاز نمی دهد و همین مسئله باعث شده امامزاده از خدمات محروم باشد. مردم زیادی برای زیارت و استفاده کردن از برنامه های فرهنگی به امامزاده می آیند؛ اما متأسفانه امکانات محدودی دارد.» این فعال فرهنگی محله جلوان به خیابان ولیعصر و جاده اصلی محله جلوان هم اشاره می کند و مشکلات این جاده را برمی شمرد: «این جاده اصلی محله جلوان است و آسفالت این خیابان بسیار افتضاح است. بارها به شهرداری گفتیم؛ ولی می گویند آسفالت این جاده در اولویت نیست. بعضی مناطق آسفالت را بارها روکش می کنند؛ اما آسفالت این جاده به این وضع رها شده است.» او از گذشته محله و سرسبزی جلوان می گوید: «جلوان یعنی جلوه ها. اینجا تا وقتی آب بود، از نظر سرسبزی مثل جنگل بود و بسیار باغ داشت. محله ای سرسبز بود و خودش چشمه داشته است؛ اما حالا به این شکل درآمده است.»

کوچه اصلی محله با عرض کم

عموزیدی اضافه می کند: «خانه های بدون ضابطه شهری ساخته شده است. خانه های فرسوده و گاهی کوچک است. کوچه آذر و بنی هاشم تنها کوچه اصلی محله است که عرضش سه متر و نیم است و بار یک خیابان اصلی را می کشد؛ چون دسترسی محلی است. همسایه های در جوار این کوچه خیلی اذیت

اعلام کردند. باید پیگیر باشند تا این مشلات حل بشود.» او تأکید می کند: «اگر می خواهند حاشیه شهر گسترش پیدا نکند، باید داخل محدوده تعریف بشود تا بتوان کنترل کرد. مسئولان باید راهکار بدهند. این زمین ها رها شده و با باد خاک بلند می شود و گرد و خاک وارد ریه مردم می شود.»

ساخت بیمارستان رها شد

این معتمد محله جلوان از طرح زمین مانده ساخت بیمارستان در محله جلوان می گوید و ادامه می دهد: «رئیس بنیاد شهید یک سال ونیم کلنگ ساخت بیمارستان پشت امامزاده را زمین زد. یک خیر ۵۰ هزار متر زمین اهدا کرد، حفاری کردند و قرار شد بیمارستان بسازند؛ اما هیچ خبری نیست. دولت که تغییر کرد این طرح هم به بهانه های مختلفی از دستور خارج شد. می گویند طرح خارج از محدوده است. مگر می شود طرح بزرگ کشوری خارج از محدوده باشد؟ مکان دسترسی بسیار خوبی خواهد داشت و ساخت این بیمارستان برای بسیاری از مناطق مفید بود.»

در حاشیه بازدید از محله جلوان، عموزیدی به اتوبان کنارگذر شرق اشاره می کند و گوید: «این اتوبان را ساختند؛ اما دسترسی به جلوان نداده اند. اتوبان ها راه زمین های کشاورزی ما را قطع کرد. مردم چطور باید به زمین ها دسترسی پیدا کنند؟ یک پلی هم زدند که عرض بسیار کم و شیب تند دارد و مشکلات ترافیکی زیادی دارد. وقتی این اتوبان کنار محله ما وجود دارد؛ اما اجازه ساخت و ساز به ما نمی دهند، سودی برای مردم ندارد.» او به مشکلات امامزاده محله





مهناز احمدی

در همه شاخه‌های قلم‌زنی ماهر

گفت‌وگو با محمد رضایی، هنرمند قلم‌زنی

در محله جلوان به خوابگاه معتادان و سنگ‌های ولگرد تبدیل شده است و ما برای امنیت جان فرزندانمان همیشه در نگرانی به سر می‌بریم.

رضایی با تأکید بر اینکه منطقه جلوان در حالی بنا شده است که مسئولان زیرساخت‌های اولیه را برای ساکنان فراهم نکرده‌اند، گفت: مردم این منطقه در طول شبانه‌روز با ترس و دلهره از منازل خود بیرون می‌آیند و ناامنی ناشی از حضور مهاجران از کشورهای مختلف باعث شده است تا زندگی مردم بومی جلوان به کابوسی همیشگی تبدیل شود.

آسفالت کوچه‌های محله جلوان نیاز به ترمیم دارد

هنرمند اهل محله جلوان ادامه داد: برای حل مشکل ناامنی با ارگان‌های مختلفی تماس گرفتیم و مراجعه کردیم؛ اما هیچ فریادرسی وجود ندارد و اقدام مؤثری برای کنترل مهاجران انجام نشده است.

او در خصوص وضعیت آسفالت و هموارسازی کوچه‌های محله جلوان اظهار کرد: کوچه‌های این محله بسیار ناهموار است و در هر نقطه‌ای که شهرداری یا اداره آب و برق مجبور به کندن آسفالت‌ها شده‌اند، وضعیت به همان شکل باقی است و آسفالت‌ترمیم نشده که هم شکل بسیار بدی دارد و هم عبور و مرور را به خصوص برای خردسالان و افراد سالخورده دشوار کرده است.

وضعیت مدارس جلوان با حضور مهاجران متشنج بود

رضایی در خصوص وضعیت مدارس در محله جلوان توضیح داد: چندی پیش به علت شلوغی بیش از حد دبستان موجود در محله و حضور تعداد زیادی دانش‌آموز مهاجر از کشورهای مختلف، فرزندان ما قادر به آموختن و یادگیری نبودند و اوضاع مدارس بسیار متشنج بود که با پیگیری والدین و رفت‌وآمد به اداره آموزش و پرورش منطقه موفق شدیم، دانش‌آموزان مهاجر را به شیفت عصر منتقل کنیم تا فرزندانمان بتوانند در محیطی امن و آرام به ادامه تحصیل خود بپردازند.



آمده، آرامش و امنیت منطقه جلوان را از بین برده است و مردم بومی از این شرایط به شدت ناراضی هستند. رضایی با اشاره به اینکه جلوان در گذشته یکی از روستاهای حاشیه‌نشین در حاشیه انتهای شمال شرقی شهر اصفهان بوده است، بیان کرد: به‌رحال با گذر زمان این منطقه تا حدودی دستخوش تغییرات شد و از حالت روستائینی بیرون آمد؛ اما هنوز هم این منطقه جزو حاشیه حومه شهر اصفهان محسوب می‌شود و پیشرفت زیادی نداشته است؛ به طوری که در این محله تنها یک دبستان وجود دارد و هیچ‌گونه ورزشگاه، فرهنگ‌سرا یا مکانی برای تفریح، سرگرمی و آموزش نوجوانان و جوانان دیده نمی‌شود.

فضای سبز جلوان؛ خوابگاه معتادان

این هنرمند جوان قلم‌زنی تصریح کرد: محله جلوان در چند سال اخیر، با ساختمان‌سازی‌های صورت‌گرفته به پازلی ناپیوسته از شهر تبدیل شده و ساکنان آن با مشکلات عدیده‌ای که در رأس آن‌ها وجود مهاجران است، مواجه شده‌اند. او ادامه داد: تنها فضای سبز موجود

نقره را یکی از مشکلات اصلی برای فعالان عرصه قلم‌زنی برشمرد و اذعان کرد: با گرانی نقره در سال جاری، خریدار برای خرید یک قندان کوچک نقره باید ۲۰ میلیون بپردازد. باتوجه به کمبود نقدینگی مردم، تورم و شرایط سخت اقتصادی، واقعا کمتر کسی به خرید محصولات قلم‌زنی روی می‌آورد. او ادامه داد: تنها امید ما به صادرات و همچنین بازار جذب توریست بود که با وجود به خشک‌سالی‌های موجود و مشکلات دیگر، طی چندسال اخیر کمتر شاهد حضور توریست‌ها در شهر اصفهان هستیم.

محله جلوان؛ یکی از محلات قدیمی اصفهان

این هنرمند اصفهانی که از کودکی تاکنون در محله جلوان سکونت داشته است، محله جلوان را با قدمتی حدود ۵۰۰ سال دانست و عنوان کرد: تا چندسال پیش همه ساکنان این محله بومی بودند؛ اما به ناگهان با موج عظیمی از مهاجران ترک، افغان، سوری و پاکستانی مواجه شدیم که این سیل عظیم جمعیت و شلوغی و نابسامانی به وجود

محمد رضایی، متولد سال ۱۳۷۵، یکی از هنرمندان جوان قلم‌زنی محله جلوان است.

او که ساخت ضریح در قتلگاه امام حسین (ع) را در کارنامه هنری خود دارد، از کودکی به آموختن هنر قلم‌زنی روی آورد و بعد از چندسال توانست به صورت مستقل عمل کند و این حرفه را در تمام شاخه‌هایش به منصفه اجرا بگذارد.

رضایی از بین برترین‌های سبک قلم که حدود ۵۰ نفر در شهر اصفهان هستند، خودش را در رده پانزدهم می‌داند و علاوه بر قلم‌زنی بر روی نقره بر روی فلزات دیگر هم کار می‌کند.

محصولات قلم‌زنی مشتری چندانی ندارند

این هنرمند اهل محله جلوان با بیان اینکه از کودکی عاشق این حرفه بوده است، گفت: قلم‌زنی شاخه‌های متعددی دارد که اغلب هنرمندان تنها در یک شاخه کار می‌کنند و مهارت دارند؛ اما من در تمام شاخه‌ها اعم از قلم‌زنی برجسته، طرح صورت، گل و مرغ تبحر دارم. رضایی گران‌شدن انواع فلزات، به خصوص





زهره قندهاری

جلوان صاحب فرهنگ سرامی شود

پاسخ‌های محمد مهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان، به مشکلات و مطالبه‌های جلوانی‌ها



منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان به‌عنوان نقطه تلاقی پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای با چالش‌ها و فرصت‌های ویژه خود، نقش مؤثری در اقتصاد و توسعه شهر اصفهان ایفا می‌کند. این منطقه کمترین میزان فضای سبز تفرجگاهی را داشته و دغدغه بزرگ مردم آن به سبب بافت فرسوده‌ای که دارد، اجرای طرح‌های آسفالت‌ریزی و شکل‌گیری پهنه‌های خاکی در منطقه و محله‌هاست؛ از این‌رو در این دوره از مدیریت شهری، نهضت آسفالت در این منطقه با ۲۵۰ تن قیر پارانه‌ای به ارزش ۱۲ میلیارد تومان تعریف شده است. محله جلوان یکی از محله‌های این منطقه است که در شمال شرقی شهر اصفهان واقع شده و از شرق با شهرک جلوان از جنوب با خیابان منتظری و خیابان باهنر محدود شده است. این محله با ۳۷ هکتار مساحت، ۱۵۴۸ نفر جمعیت دارد. در این محله معضل‌های گوناگونی وجود دارد که ساکنان در گفت‌وگو با «هم‌محله» روایت کرده‌اند. محمد مهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان، به مشکلاتی که از سوی ساکنان محله جلوان بیان شده است، پاسخ می‌دهد.

بررسی‌های لازم انجام می‌شود و با همکاری واحد ترافیک، راه‌بند نصب می‌کنیم.

یکی از معتمدان محلی می‌گوید: به دلیل ایجاد مزاحمت و سر و صدا برای همسایگان مجاور پارک جلوان، زمینی که برای بازی در شمال پارک در نظر گرفته شده، بسیار بدسلیقه‌گی است. از شهردار محترم منطقه تقاضا می‌شود این مکان را برای کاربری درختکاری و یا گلکاری استفاده کند. پاسخ شما در این خصوص چیست؟ امکان حذف زمین بازی وجود ندارد؛ به دلیل اینکه بسیاری از شهروندان از زمین بازی استفاده می‌کنند و حذف زمین بازی باعث نارضایتی عده دیگری از شهروندان می‌شود.

ساکنان معتقدند جنوب پارک نسترن فاقد حریم است؛ در نتیجه برخی از شهروندان با موتور و اتومبیل وارد پارک می‌شوند و مزاحمت ایجاد می‌کنند. از شهردار منطقه تقاضا می‌شود حریم این محدوده را مشخص و سپس مانند بقیه پارک، جدول‌گذاری کنند. پاسخ شما چیست؟

می‌گیرد.

روشنایی‌های پارک، کابل‌های زیرزمینی و لامپ‌ها به تعمیر نیاز دارد. آیا قرار است در این خصوص اقدامی انجام شود؟

فقط دومرد سرقت سری چراغ وجود دارد که در اسرع وقت تهیه و نصب می‌شود.

با توجه به اینکه نگهداری از تجهیزات و امکانات محله از اهمیت زیادی برخوردار است، تعدادی از نیمکت‌ها، سرسره‌ها و کف پوش‌ها تخریب، شکسته و مستهلک شده است. قرار است برای به‌روزرسانی و تعمیر این تجهیزات چه اقدام‌هایی انجام شود؟

در این پارک یک عدد سرسره شکسته وجود داشت که هفته گذشته تعویض و ترک یک سرسره دیگر ترمیم شد. کف پوش‌های معیوب نیز در اسرع وقت خریداری و تعویض می‌شود.

تعدادی از درختان شکسته و گل‌ها، درختچه‌ها و چمن‌ها در پارک نسترن تخریب شده است. آیا برای اصلاح و

جایگزینی اقدامی در دستور کار دارید؟ در این خصوص به‌صورت مستمر نیروهای فضای سبز درحال پیگیری (خشک‌بری، چمن‌زنی، آبیاری، ترمیم و اصلاح شاخه‌های شکسته) هستند.

حضور نگهبان برای حفظ بقا و نگهداری از پارک نسترن بسیار ضروری است. در این خصوص اقدامی انجام می‌شود؟

هیچ‌کدام از پارک‌های سطح شهر دارای نگهبان مقیم نیست؛ اما امور روزمره و نگهداری معمول طبق زمان بندی توسط پیمانکار انجام می‌شود.

معضل زمین‌های رهاشده، یکی از موضوعاتی است که اغلب ساکنان به آن اشاره کرده‌اند. در روزهای طوفانی گرد و غبار و زباله‌های داخل این زمین‌ها به محله سرازیر می‌شود. برای سامان‌دهی این زمین‌ها چه برنامه‌ای دارید؟

این زمین‌ها عموماً مالک دارند و بخش زیادی از آن‌ها خارج از محدوده خدماتی شهرداری و تحت نظر جهاد کشاورزی است.





این مسئله را پیگیری کرده‌اید؟

با تسهیل‌گری شهرداری در بحث اختصاص زمین، کلنگ این بیمارستان ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۲ بر زمین خورد؛ اما با شهادت شهید خدمت آیت‌الله رئیسی این موضوع در بنیاد شهید رها شد که باید از طریق استاندار محترم و مدیریت بنیاد شهید پیگیری شود.

این محله آسفالت نامناسبی دارد

و دست‌اندازه‌های زیاد باعث استهلاک خودروها شده است. آیا قرار است در این خصوص اقدامی انجام شود؟
رفع این معضل در اقدام‌های سال جاری در برنامه شهرداری است و به زودی اجرا خواهد شد.

تفرجگاهی بوده که البته تلاش‌های خوبی در این زمینه انجام شده است؛ به طوری که در پایان سال ۱۴۰۴ بوستان خانواده محور «موعود» نزدیک میدان جوان به بهره‌برداری می‌رسد. برای محله جلوان هم مواردی پیش‌بینی شده است که به زودی خبر آن را خواهید شنید.

ظرفیت وجود احداث یک

بیمارستان در این محله به دلیل دسترسی آسان از شهرهای دیگر وجود دارد. سال‌های گذشته مقرر شده بود که سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران در این محله بیمارستانی احداث کند؛ اما این موضوع معلق مانده است. هر چند که این موضوع یک مسئله ملی است، شما به عنوان شهردار منطقه

در دستور کار دارید؟

این محله به دلیل اینکه به کتابخانه حصه نزدیک است و در کتابخانه هم اقدام‌های فرهنگی و ورزشی انجام می‌شود و تعداد تقریباً زیادی نیز از اهالی جلوان در این فعالیت‌ها مشارکت دارند این مجموعه پیش‌بینی نشده است؛ اما پیشنهاد داده خواهد شد تا در سال‌های آینده بودجه‌ای برای احداث این مجموعه در نظر گرفته شود.

نبود مکان تفریحی برای سالمندان

یکی از معضله‌هایی است که برخی از ساکنان به آن اشاره کرده‌اند. در این خصوص چه پاسخی دارید؟
این منطقه دارای کمترین فضای سبز

وجود کارتن خواب‌هایی که از

محله‌های دیگر به این محدوده می‌آیند و در زمین‌های رهاشده اعمال ناپسند انجام می‌دهند، باعث آزار و اذیت ساکنان شده است. برای پاک‌سازی جلوان از این قشر برنامه‌ای دارید؟
این مسئله در حیطه اختیارات و وظایف شهرداری نیست و باید از طریق ضابط قضایی یعنی کلانتری و دادگستری پیگیری شود. شهرداری فقط برای رفع این معضل می‌تواند تسهیل‌گری کند.

محله جلوان فقط یک خانه بازی

دارد که کفاف نیازهای فرهنگی ساکنان را نمی‌دهد. به چه دلیل این محله، فرهنگ‌سرا ندارد؟ در این زمینه اقدامی

جوانان جلوان؛ جلوه‌گران ورزش‌های رزمی محله

خواهران قندی؛ رزمی‌کاران نوجوان محله جلوان هستند



دلارام فندهاری



دو خواهر یکتا و یگانه قندی از دختران ورزشکار و ساکن محله جلوان هستند که توانسته‌اند در رشته ورزشی کامبت جوجیتسو فعالیت کنند.

یکتا ۱۴ ساله است. او پنج سال است که به ورزش ژیمناستیک روی آورده و سه سال است در رشته ورزشی کامبت جوجیتسو فعالیت دارد و در رشته ورزشی ژیمناستیک مقام دوم و در رشته کامبت جوجیتسو مقام اول استانی را به دست آورده است.

ورزش‌های رزمی با روحیاتم سازگار بود

این ورزشکار محله جلوان در گفت‌وگو با «هم‌محله» گفت: من به توصیه خواهر بزرگ‌ترم به این ورزش روی آوردم و هنگامی که مبارزات ورزشی او را می‌دیدم علاقه شدیدی به ورزش‌های رزمی پیدا کردم؛ چون با روحیاتم سازگار بود. قندی خاطر نشان کرد: پدر و مادرم از افراد مؤثر در پیشرفت من بودند که همیشه به من امید می‌دادند؛ همچنین خواهرم، بزرگ‌ترین حمایت‌گر من بوده و هست.

وجود مکانی برای پشتیبانی از نوجوانان و جوانان باعث پیشرفت آن‌ها می‌شود

این نوجوان ورزشکار محله جلوان بیان کرد: از شهردار محترم منطقه ۱۴ درخواست می‌کنم یک باشگاه ورزشی در محله احداث کند تا کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگ‌سالان علاوه بر تفریح به ورزش ادامه دهند؛ زیرا اگر مکانی برای پشتیبانی نوجوانان و جوانان در هر محله باشد امکان پیشرفت نیروی انسانی در حوزه ورزشی در آن منطقه به حداکثر خواهد رسید. قندی تصریح کرد: به همسالانم توصیه می‌کنم با علاقه فراوان وارد رشته ورزشی شوند و هدف داشته باشند تا با موفقیت در خانواده و جامعه نیز سرفراز و سربلند باشند.

این نوجوان ورزشکار محله جلوان اظهار کرد: پیشرفت در ورزش و مقام‌آوردن در این ورزشی هدف اصلی من است. در مسابقه اول پس از برنده شدن، مدال

محله جلوان کمترین جمعیت منطقه را دارد و بخشی از مشکلات منطقه ۱۴ شامل بافت فرسوده، ناامنی، و کمبود امکانات زیرساختی است که به‌طور غیرمستقیم بر فعالیت‌های ورزشی نیز تأثیر می‌گذارد. قندی گفت: شهرداری منطقه ۱۴ در تلاش برای رفع مشکلات جاده جلوان و بهبود زیرساخت‌هاست که می‌تواند به بهبود دسترسی به امکانات ورزشی کمک کند. این بانوی ورزشکار خاطر نشان کرد: در مجموع، مشکلات ورزشی محله جلوان بیشتر ناشی از کمبود فضای سبز، نبود امکانات ورزشی کافی، مسائل زیرساختی و مالی منطقه ۱۴ است که شهرداری در حال پیگیری برای بهبود آن‌هاست. قندی گفت: از ورزش نمی‌توان خاطره تلخی داشت؛ اما تلخ‌ترین خاطره در شیرین‌ترین لحظاتم این بود که حدود شش ماه به دلیل شکستن مچ پا از ورزش و مسابقه مبارزه محروم شدم؛ ولی دست از تلاش برنداشتم. امیدوارم بتوانم بهترین ورزشکار برای خود، خانواده و جامعه باشم.

منطقه ۱۴ درخواست می‌کنم تعداد وسایل حمل‌ونقل عمومی را در این محله افزایش دهند و باشگاهی سرپوشیده و مجهز برای بانوان محله احداث کنند تا بانوان بتوانند در هر ورزشی که علاقه دارند وارد شوند و پیشرفت کنند.

یگانه قندی تصریح کرد: مقام سوم استانی در ورزش کامنت جوجیتسو دارم و عاشق این ورزش هستم. تلاش می‌کنم تا آخرین مرحله و مربیگری (چه در سطح ایران چه بین‌المللی) این ورزش را ادامه دهم.

کمبود پارک‌های مناسب برای ورزش و بازی کودکان در محله

او در خصوص مشکلات ورزشی محله جلوان در منطقه ۱۴ گفت: این منطقه از کمبود فضای سبز و پارک‌های تفرجگاهی رنج می‌برد که این موضوع بر امکانات ورزشی و تفریحی تأثیر منفی دارد. سرانه فضای سبز این منطقه کم و پارک‌های مناسب برای ورزش و بازی کودکان بسیار محدود است. این ورزشکار محله جلوان خاطر نشان کرد:

قهرمانی را استاد بزرگوار (اکبر جوادی) نماینده استان در این ورزش به من اهدا کرد و من بسیار خرسندم که بتوانم مقام‌های بهتری کسب کنم و آبروی محله جلوان باشم.

لزوم افزایش وسایل حمل و نقل عمومی در محله

یگانه قندی، خواهر یکتا که ۲۱ ساله است، در گفت‌وگو با «هم‌محله» گفت: از کودکی به ورزش علاقه نداشتم. یک بار برای گذراندن اوقات فراغت در تعطیلات تابستانی با دیدن شور و اشتیاق ورزشکاران و استادم مجذوب این ورزش رزمی زیبا شدم. او بیان کرد: علاوه بر علاقه‌ای که به این ورزش پیدا کردم به پیشنهاد مادرم به این ورزش وارد شدم. پدرم نیز برای ورود من به این ورزش و ادامه دادن آن روی من تأثیر فراوانی داشتند. این ورزشکار محله جلوان ادامه داد: اوایل برای آموختن این ورزش با اتوبوس تردد می‌کردم و ساعت‌ها منتظر اتوبوس می‌ماندم. از شهردار محترم



زهره قندهاری

نقش منطقه ۱۴ در توسعه اصفهان

مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان اقدام‌های انجام شده در این منطقه و محله جلوان را تشریح می‌کند



محدوده منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان از شمال به جاده خاکی در ادامه بلوار تاکسی‌رانی تا خیابان آیت‌الله غفاری، از طرف شرق ادامه جاده خاکی در امتداد نهر ارزنان تا اتوبان شهید اردستانی، از طرف جنوب از محور اتوبان شهید اردستانی تا ابتدای خیابان آل یاسین و از طرف غرب، بزرگراه چمران در امتداد خیابان آل بویه و خیابان گلستان در امتداد خیابان بعثت تا میدان شهدای ورزشکار به مساحت ۱۹۰۰ هکتار و محدوده قانونی آن ۹۴۰ هکتار است. این منطقه به لحاظ جغرافیایی در شمال شهر اصفهان واقع شده و با ۱۶۰ هزار نفر جمعیت، یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق شهری محسوب می‌شود.

منطقه ۱۴ کمترین میزان فضای سبز تفرجگاهی را دارد و دغدغه بزرگ مردم آن به سبب بافت فرسوده‌ای که دارد، اجرای طرح‌های آسفالت‌ریزی و جلوگیری از شکل‌گرفتن پهنه‌های خاکی در منطقه و محله‌هاست؛ از این‌رو از ابتدای این دوره مدیریت شهری، نهضت آسفالت در این منطقه با حدود ۷۰۰ تن قیر یارانه‌ای با همکاری اداره کل مسکن و شهرسازی به ارزش حدود ۲۰ میلیارد تومان تعریف شده است که حدوداً بیش از ۱۰۰ هزار مترمربع را پوشش داده است. در حقیقت در دوره جدید مدیریت شهری نخستین میز ویژه در دفتر شهردار برای حصه شمالی و نگاه ویژه به مناطق کم‌برخوردار شهر از بازدید روز نخست کاری شهردار اصفهان، از این محله شکل گرفت و اتفاق‌های ویژه‌ای را در این محله رقم زد. این اقدام‌ها در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طراحی شد و بر اساس نیازسنجی‌های انجام‌شده، سه کلان‌مؤلفه: هویت، امنیت و فرهنگ، برای آن تعریف شد. در حوزه هویتی می‌توان گفت «گمنامی اجتماعی» بزرگ‌ترین معضل در محله‌های منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان است؛ از این‌رو تصمیم بر تغییر فضای ظاهری محله‌ها، از جمله حصه گرفته شد. ایجاد طولانی‌ترین دیوارنگاره محلی کشور برگرفته از گنبد‌های فیروزه‌ای نیز از اقدام‌های شاخص در این منطقه بوده که باهدف زیباسازی فضای شهری و ترمیم نازیبایی‌های بصری اجرا شده است. محله‌هایی از جمله حصه، محلی برای تهنشین‌شدن نازیبایی‌های شهر از جمله کودکان کار، معتادان متجاهر و کارتن‌خواب‌ها در آن است؛ از این‌رو

احداث چهار ایستگاه مترو در منطقه ۱۴ در اولویت قرار گرفت و مدیریت شهری پای این کار ایستاد. مترو پروژه‌ای بسیار پرهزینه است و ساخت هر کیلومتر آن بیش از ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه دارد. البته شهروندان منطقه ۱۴ طبق جدول زمان‌بندی در سال ۱۴۰۴ سوار مترو در خط دو خواهند شد.

میزان محرومیت در این منطقه وجود دارد.

منطقه ۱۴ محروم از خدمت است؛ نه محروم از استعداد و توانمندی

منطقه ۱۴ محروم از خدمت است، نه محروم از استعداد و توانمندی. پرتراکم‌ترین منطقه شهری که متوسط میزان جمعیت هر محله بین ۱۵۰ تا ۱۷۰ نفر بر هکتار است. محله عمان سامانی پرتراکم‌ترین خیابان شهر است؛ در پروژه ۲۰۰۰ محله محروم که در سطح کشور پیگیری می‌شود، به سه محله منطقه ۱۴ که محرومیت با درجه شدید و بسیار شدید وجود دارد، باید نگاه ویژه شود.

اجرای بیشترین تعداد پروژه‌های عمرانی در دوره ششم

بیشترین تعداد پروژه‌های عمرانی در طول دوره در این منطقه انجام شده که برخی کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر است. یکی از اتفاق‌های ویژه خط دو مترو است که چهار ایستگاه آن در مرحله نازک‌کاری است و سال جاری به بهره‌برداری می‌رسد. مترو، یک پروژه پیش‌ران و محرک توسعه است و می‌تواند به رفع محرومیت در منطقه بسیار کمک کند.

مهم‌ترین اتفاق در آن می‌تواند ایجاد یک کلانتری باشد که اجرای آن در دوره ششم مدیریت شهری با قدرت پیگیری شده و هم‌اکنون در مرحله نازک‌کاری قرار گرفته است. در این گزارش، محمدمهدی کریمی، مدیر منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان اقدام‌های انجام‌شده در این محله را روایت می‌کند.

منطقه ۱۴ مجموعه‌ای از ابعاد مثبت و منفی

در این منطقه، ۱۲ محله وجود دارد که در ۱۰ محله، روزگار کمر مردم را شکسته است. از جمله این محله‌ها می‌توان به حصه، ارزنان، دارک، زینیه، بی‌سیم، شهرک امام خمینی (ره)، شهرک امام حسین (ع)، دو طفلان و عمان سامانی اشاره کرد. در مجموع باید گفت منطقه ۱۴ مجموعه‌ای از ابعاد مثبت و منفی است. بعد منفی منطقه این است که بیشترین میزان بافت فرسوده را میان مناطق پانزده‌گانه باوجود مساحتی معادل ۳۲۰ هکتار دارد؛ همچنین ۱۰۰۰ هکتار از ۲۰۰۰ هکتار منطقه در حریم و خارج از دسترسی مدیریت شهری است. ۳۰ درصد بافت منطقه ۱۴ در محدوده بافت فرسوده است. از طرفی، کمترین میزان فضای سبز و مکان تفرجگاهی و بیشترین



مختصات ویژه خود را دارد و بعد از میدان امام(ره) و میدان امام علی (ع)، سومین میدان بزرگ شهری است. این میدان در مساحت ۱۹ هکتاری از حرم مطهر حضرت زینب (س) آغاز می‌شود و تا میدان عاشق ادامه دارد. این پروژه بیش از دو دهه در بوروکراسی اداری مانده بود. البته حجم پروژه بسیار بزرگ است و نیاز به دقت نظر دارد؛ اما ثمره یک پیگیری سه‌ساله مستمر، موجب شد اواخر سال گذشته این طرح از شورای عالی شهرسازی و معماری کشور ابلاغ شود که مرحله نخست آژانس‌سازی این میدان و سپس احداث و در نهایت بهره‌برداری است.

به لحاظ اینکه جانمایی این میدان در مرکزیت شمال شهر اصفهان است، می‌تواند محور تمام شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی شمال شهر اصفهان باشد. دریافت مصوبات و منابع مالی جهت تحقق این طرح اقدام پرتیمی است که در همین راستا الحاق ۲۶ هکتار زمین در منطقه ۱۴ در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور یک اتفاق ویژه بود و منبعی به عنوان پشتیبان برای تحقق این پروژه است. همه چیز برای آغاز کار آماده است که امیدواریم تا دوماه آینده کلنگ آغاز عملیات احداث این پروژه زده شود. در این میدان هتل، حوزه‌های تجاری، اداری، فرهنگی و آموزشی در نظر گرفته شده است. شعاری داریم با عنوان اینکه «آینده از آن منطقه ۱۴ است» و تلاش می‌کنیم این شعار در دوره ششم مدیریت شهری اصفهان محقق شود.

۱۴۰۰ پیگیر این پروژه بودیم. این پروژه تاکنون حدود ۲۱۰ میلیارد تومان هزینه داشته که ۱۱۰ میلیارد تومان آن توسط منطقه ۱۰ پرداخت شده و باقی‌مانده آن در شهرداری مرکزی است و از سهم بودجه محرومیت‌زدایی منطقه ۱۴ به پروژه تزریق می‌شود. حدود هفت پیل بر این زیرگذر احداث می‌شود که با بهره‌برداری این پروژه دو محله حصه شمال و جنوبی به هم متصل می‌شود و از منظر زیست‌محیطی و ترافیکی اتفاق ویژه‌ای خواهد افتاد.

احداث سومین میدان بزرگ شهری آرزوی من است

مهم‌ترین کاری که به عنوان آخرین آرزوی من در منطقه است، احداث سومین میدان بزرگ شهری است. این میدان

شد و برای سال جاری نیز قرارداد احداث یک فرهنگ‌سرای ۱۵۰۰ متری کنار بازیکده منعقد خواهد شد؛ همچنین قرارداد احداث ورزشگاه توییپ در همان مکان بسته شده است.

زیرمجموعه کلان مؤلفه «هویت» بزرگ‌ترین دیوارنگاره محلی در حصه با بیش از ۲۲ هزار متر پلاسترنی انجام شد و در این راستا تمام دیوارها و کوچه‌پس‌کوچه‌های حصه سیمان و رنگ آمیزی شد؛ همچنین بیش از ۱۱ هزار و ۵۰۰ متر دیوارنگاره انجام شد که در راستای هویت بخشی بود تا حصه دیده شود.

انجام این اقدام‌ها موجب رضایتمندی مردم شد. ابرپروژه زیرگذر شهید خدمت، آیت‌الله رئیسی بزرگ‌ترین پروژه مدیریت شهری، مشترک میان مناطق ۱۰ و ۱۴ است که این زیرگذر در حصه را از پل آفتاب تا پل طیاره جلو می‌برد. از سال

۳۶ متری احداث شده است و «سه‌راه مرگ» در این منطقه که به جلوان و حصه منتهی می‌شد، به «سه‌راه زندگی» تبدیل شد. دو پهنه و لکه خاکی سودان و باتان سال‌ها مردم را آزار می‌داد. در یک پهنه حدود ۴۰ هکتاری که نه آبی برای کشاورزی دارد، نه فضایی برای ساخت‌وساز، تدایمی اندیشیده شد.

احداث پردیس خانواده محور

برای پهنه سودان احداث بوستان خانواده محور موعود را در نظر گرفتیم. یک پردیس کامل و جامع ۶/۸ هکتاری که فضای سبز تفرجگاهی، فرهنگ‌سرا، زمین روباز ورزشی، آمفی‌تئاتر، مسجد، پیاده‌راه و محلی برای ورزش کودکان و سالمندان در نظر گرفته شده است. این طرح مردم محله‌های عمان سامانی، لاله و ۱۶ متری طالقانی را منتفع می‌کند. این کار موجب شد سایر زمین‌های اطراف پردیس نیز شکل گیرد و تا چندسال آینده پهنه خاکی در صحرای سودان خواهیم داشت. صحرای باتان، دومین لکه خاکی منطقه است که با نخستین ورزش‌یاد مردم ساکن در اطراف آن، اذیت می‌شدند و همچنین تبدیل به یک فضای بی‌دفاع شهری شده بود. سال گذشته در همین نقطه موردی از حمله‌کردن چند قلاده سگ به یک کودک گزارش شد که اگر راننده تاکسی نبود، هم‌اکنون کودک در قید حیات نبود.

احداث بازیکده

در حوزه فرهنگی به معنای عام احداث بازیکده ۸۵۰۰ متری در سال ۱۴۰۰ انجام



اصفهان پایتخت قلمکاری ایران است

گفت‌وگو با سلیمان محبی، هنرمند قلمکار ساکن جلوان

از مهاجران افغان دانست و گفت: طی سال‌های اخیر از کشور سوریه، پاکستان و افغانستان جمعیت زیادی به محله جلوان وارد شده‌اند که این موضوع علاوه بر شلوغی و نابسامانی، امنیت منطقه را به خطر انداخته است.

او با تأکید بر اینکه شاخص‌های کیفیت زندگی در منطقه جلوان بسیار کمتر از میانگین مطلوب است، بیان کرد: واقعا شایسته این محله اصیل و قدیمی که هنوز هم می‌توان در آن بقایای تاریخ یک سرزمین را مشاهده کرد، این همه بی‌توجهی از سوی مسئولان نیست و سؤال اهالی این است که چرا این محله قدیمی و بومی، باید تبدیل به محله مهاجر نشینان شود؟ به طوری که شلوغی و بی‌قانونی در این محله در حدی است که بسیاری از اهالی قدیمی جرئت نمی‌کنند در کوچه‌ها تردد کنند!

لزوم توجه مسئولان به مدارس جلوان

این هنرمند قلمکار آسیب‌های اجتماعی را یکی از بدترین مشکلات برای مردم محله جلوان برشمرد و گفت: فرزندان ما در چنین محیطی نمی‌توانند سالم بزرگ شوند؛ به خصوص که هیچ محلی هم برای گذراندن اوقات فراغت خود ندارند و حتی مدارس ما هم خالی از وجود مهاجران نیست.

محبی با تأکید بر اینکه محله جلوان گنجایش این جمعیت را ندارد، اظهار کرد: درحالی‌که مدرسه، فضای سبز، ورزشگاه و فرهنگ‌سرای برای مردم بومی جلوان در نظر گرفته نشده است، جمعیت مهاجر هم با حضور خود و اعمال هر نوع بی‌قانونی، عرصه را برای زندگی اهالی قدیمی تنگ کرده‌اند.



کرد: امکانات فرهنگی و تفریحی کمی توسط شهرداری منطقه برای اهالی این محل تعبیه شده است.

تنها مکان سرسبز در این منطقه پارکی به نام پارک مادر و کودک است که حضور معتادان و اراذل و اوباش مانع از آن شده که هیچ مادر و کودکی بتوانند در این مکان حضور پیدا کنند؛ ضمن اینکه وجود سگ‌های ولگرد و وحشی زنگ خطر دیگری برای اهالی این محله محسوب می‌شود.

این هنرمند قلمکار اصفهانی افزود: محله جلوان دبیرستان ندارد و یک دبستان دارد که دخترانه-پسرانه است و بچه‌ها باید به صورت شفقتی سر کلاس‌ها حاضر شوند.

محله جلوان در محاصره مهاجران

کشورهای همسایه

محبی نیم‌بیشتر جمعیت جلوان را تشکیل شده

روسری، کیف، روبه‌لحاف، روبه‌پشتی، دستمال و کتیبه‌هایی برای تزئین مجالس سوگواری استفاده می‌شود.

این هنرمند در ادامه ضمن بیان اینکه محله جلوان دارای قدمتی حدود ۵۰۰ سال است، گفت: این محله از دیرباز تاکنون در حاشیه شهر اصفهان بوده و هنوز هم اهالی آن حاشیه‌نشینی هستند که به وضعیت زیستشان درست رسیدگی نمی‌شود.

محبی توضیح داد: زیرساخت‌های اولیه برای ساخت محله جلوان به درستی اجرا نشده است و اهالی این منطقه به علت اینکه در مجاورت محله قدیمی اصفهان واقع شده، با مشکلات بسیاری مواجه هستند.

جلوان دبیرستان ندارد

او با اشاره به اینکه مردم محله جلوان مردمی ضعیف و از اقشار کم‌درآمد جامعه هستند، عنوان

سلیمان محبی، هنرمند قلمکار جوان ساکن محله جلوان در سال ۱۳۷۱ متولد شد. او از همان خردسالی در کنار پدرش به شغل قلمکاری مشغول شد و انواع طرح‌های قدیم و جدید هنر قلمکاری را فرا گرفت.

هنر قلمکاری در دوره صفویه متولد شد

این هنرمند اصفهانی اکنون که در دهه سوم از زندگی خود قرار دارد، ضمن ابراز عشق و علاقه نسبت به حرفه خود، گفت: هنر قلمکاری با قدمتی چندصدساله، یکی از هنرهای اصیل در صنایع دستی شهر اصفهان به شمار می‌رود و شهر ما سردمدار هنر قلمکاری است؛ به نحوی که سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به منظور ارج نهادن به این هنر ارزشمند ایرانی، مهر اصالت آن را در اصفهان به استاد مرتضی جعفری، یکی از هنرمندان اصیل و با سابقه این حرفه اعطا کرده است.

محبی اذعان کرد: تولد این هنر در دوره شاه‌عباس در قرن یازدهم است که به علت علاقه درباریان و توجه خاصی که به این صنعت داشتند، به اوج پیشرفت خود رسید.

به گفته این هنرمند قلمکار، در این دوره انواع قلمکاری تولید و ساخته شد و لباس بسیاری از مردان، زنان و کودکان از پارچه‌های قلمکاری تهیه می‌شد.

محله جلوان: با قدمتی حدود ۵۰۰ سال

او ادامه داد: در حال حاضر اصفهان مرکز تولید قلمکاری ایران است و از پارچه‌های قلمکاری برای تهیه رومی‌زی، روتختی، سجاده، سفره،



مهناز احمدی



زهره قندهاری

جزرومد جلوان

معضل‌های محله جلوان و اقدام‌های انجام‌شده در منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان

محله جلوان در شمال شرقی شهر اصفهان واقع شده و از شرق با شهرک جلوان، از جنوب با خیابان منتظری و خیابان باهنر محدود شده است. این محله با ۳۷ هکتار مساحت، ۱۵۴۸ نفر جمعیت دارد.

اقدام‌های انجام‌شده



احداث پردیس خانواده‌محور



احداث سومین میدان بزرگ شهری



احداث بازیگده



بهره‌برداری از کلانتری حصار تا پاییز ۱۴۰۴



اجرای پروژه مشارکتی



احداث دو تقاطع غیرهمسطح



تملک ۵۰ درصد زمین پروژه پایانه ترکیبی



اجرای بیشترین تعداد پروژه‌های عمرانی در دوره ششم

معضل‌های محله جلوان

- « نبود حریم در پارک نسترن
- « لزوم تعمیر روشنایی‌های پارک، کابل‌های زیرزمینی و لامپ‌ها
- « تخریب و مستهلک شدن نیمکت‌ها، سرسره‌ها و کف پوش‌ها
- « شکستگی تعدادی از درختان در پارک نسترن
- « نبود نگهداری برای نگهداری از پارک نسترن
- « معضل زمین‌های رها شده و گردوغبار ناشی از آن
- « معضل کارتن خواب‌ها
- « نداشتن فرهنگ سرا
- « نبود مکان تفریحی برای سالمندان
- « وجود فضاهای بی‌دفاع شهری
- « ظرفیت وجود بیمارستان در محله
- « همجواری با حصار و معضل ازدیاد اتباع بیگانه
- « معضل‌های جاده‌ای
- « آسفالت نامناسب



عکس کوثر رحیمی

مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه نامه زهره‌سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، لیلا کهلانی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری، مریم نقیان، زینب دبیری، زهره‌سادات طالقانی و اکرم کیانی
ویراستاران عدرا دیانی و سارا حقیقی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل احسان تیموری سیجانی
سردبیر محمد حسین اعترازیان
دبیر ویژه‌نامه محسن حیدری فرد

اصفهان زیبا
هم‌محله



برای دیدن تصاویر بیشتر
پارکد را اسکن کنید